

عطیه بن سعد عوفی و تفسیر قرآن

سید مهدی حسینی^۱

چکیده

مطمئن‌ترین ابزار برای فهم کلام الهی، روایات تفسیری معصومان علیهم‌السلام است. این روایات را - که عالمان و مفسران صحابه و تابعین از زمان صدور آن ارائه داده‌اند - چه بسا بر اثر فهم گوناگون از روایات و همراهی عوامل مختلف، مکاتب و مدارس تفسیری مانند: مکه، مدینه، کوفه، بصره و شام پدید آمد. مکتب تفسیری کوفه را عبد الله بن مسعود، صحابی تأیید شده پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پایه‌گذاری کرد. ابن مسعود در نگاه امام علی علیه‌السلام، «عالم به قرآن و حدیث» است. از مفسران سده اول و دوم مدرسه تفسیری کوفه «عطیه عوفی»، تابعی معروف و ولایتمدار است. ولادت عطیه بعد از فوت ابن مسعود واقع شد و تفسیر قرآن را از دیگر صحابه آموخت. در این پژوهش زیست‌نامه علمی، اجتماعی و سیاسی عطیه کوفی، گونه‌شناسی روایات تفسیری وی، اسناد و مصادراتها به روش تحلیلی و استنادی بررسی شده است. از یافته‌های این پژوهش می‌توان به اندیشه سیاسی عطیه در دفاع از حریم عترت علیهم‌السلام، وابستگی او به اهل بیت علیهم‌السلام در تلاش‌هایشان، نشان دادن گونه‌های روایات تفسیری عطیه در موضوعات مختلف و کاربردهای سوره‌شناختی و معناشناختی روایات اشاره کرد. کلیدواژه: عطیه بن سعد، عطیه عوفی، تفسیر روایی، مدرسه تفسیری کوفه.

درآمد

مفسران در تفسیر آیات قرآن کریم، نخست به روایات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم توجه می‌کنند و این شیوه را پیروی از قرآن و سنت می‌دانند و بر آن نیز تأکید می‌کنند. و عمل خودشان را به روایتی از امام باقر علیه‌السلام مستند می‌کنند که پیامبر بعد از قراءت آیه کریمه ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ

۱. پژوهش‌گر پژوهشکده تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام و دانشجوی دکتری دانشگاه قرآن و حدیث.

يَدْْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ ﴿آل عمران: ۱۰۴﴾ در تفسیر واژه «الخير» فرمود:

مقصود از خير، پیروی از احکام قرآن و سنت من است (ابن کثیر، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۹۸).

بعد از رحلت پیامبر ﷺ مهم‌ترین مرجع مردم در تفسیر و تبیین احکام دین، عترت علیهم‌السلام صحابه و تابعان بودند. از این رو، به تفسیر آیات توجه بیشتری شد؛ به طوری که حلقه‌های درسی تفسیری در مراکز علمی آن دوره به نام مدارس تفسیری شکل گرفت و مدرسه تفسیری کوفه یکی از این مدارس است که به یکی از مراکز اصلی تفسیر و نشر احادیث بعد از پیامبر تبدیل شد. افرادی چون علقمة بن قیس بن عبد الله نخعی کوفی، مسروق بن اجدع همدانی کوفی و دیگران از این مدرسه بودند و در رأس آن، عبد الله بن مسعود صحابی معروف پیامبر قرار داشت که در سال ۳۲ق، وفات یافت (معرفت، ۱۳۸۵ش، ج ۱ ص ۲۹۷؛ سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۹۸ - ۴۹۹).

از جمله مفسران و محدثان کوفه، عطیة بن سعد عوفی، از مشاهیر تابعین (ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۳، ص ۷۹) است. او دارای کتاب تفسیر قرآن است و سه مرتبه تفسیر قرآن را به ابن عباس عرضه کرده است (مامقانی، ۱۳۵۰ش، ج ۲، ص ۲۵۳؛ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۲۸۳)، به نقل از *ملحقات الصراح*.^۲ او با اخبار فراوانی که درباره فضایل حضرت علی علیه‌السلام نقل کرده و رفتارهای سیاسی و اجتماعی که از خود به جای گذاشته است، در زمره مریدان (شیعیان) مخلص آن حضرت قرار می‌گیرد. با توجه به فضای شیعی ای که بر کوفه حاکم بوده و دیدگاه بیشتر علمای عامه مبنی بر این که عطیة شیعه است، از این جهت او مفسری با گرایش امامیه است. موضوع این پژوهش، سعد بن عطیة عوفی به عنوان یکی از مفسران امامی در مدرسه تفسیری کوفه است.

از عطیة بیش از دو هزار روایت در متون اسلامی نقل شده است. با وجود کثرت روایات او، جایگاه او در میان مفسران و راویان معلوم نیست؛ به طوری که درباره اندیشه عطیة و مذهب او و آثارش، از جمله تفسیر قرآن او، پژوهشی جامع و استنادی در زبان فارسی نشر

۲. مامقانی از *ملحقات الصراح* نقل می‌کند و آقا بزرگ تهرانی از *ملحقات الصراح*؛ یعنی این کتاب را نداشته است. مؤلف *ملحقات الصراح* جمال الدین، ابو الفضل محمد قرشی (ملیت: ایرانی دانشمند و لغوی قرن هفتم) از علمای مقیم کاشغر بود. از آثارش کتاب *صراح اللغة* یا *الصراح من الصحاح* است که تلخیص و ترجمه فارسی *صحاح اللغة* جوهری است. وی این کتاب را در سال ۶۸۱ ق، به پایان رساند و سپس ذیلی به عربی به اسم *ملحقات الصراح* بر آن نگاهت که مشتمل بر مطالب مهم تاریخی است.

نیافته و در تراث امامیه آن طور که شایسته او باشد، از او یاد نشده است و تنها محقق معاصر، عبد الرزاق بن محمد حسین حرزالدین پژوهش جامع و مستندی درباره عطیه کوفی به زبان عربی انجام داده است. او روایات پراکنده عطیه در منابع تفسیری و نقل قول‌های موجود در کتب حدیثی معتبر را در مجموعه‌ای سه جلدی با عنوان *تفسیر القرآن الکریم للمفسر والمحدث الفقیه عطیه بن سعد بن جنادة العوفی الکوفی*^۳ بازایی کرده است. از جمله این منابع و کتب معتبر می‌توان به *جامع البیان فی تفسیر القرآن طبری (م ۳۱۰ق)*، *تفسیر القرآن العظیم ابن ابی حاتم (م ۳۲۷ق)*، *التبیین فی تفسیر القرآن شیخ طوسی (م ۴۶۰ق)*، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن طبرسی (م ۵۴۸ق)* و *مفاتیح الغیب فخر رازی (م ۶۰۶ق)* اشاره کرد. در این مجموعه به شرح زندگی شخصی - اجتماعی و علمی عطیه پرداخته شده است.

مؤلف بعد از بیان ابعاد علمی عطیه به شیوه تفسیری او می‌پردازد و حدود ۲۱۸۹ روایت و حدیث به نقل از عطیه کوفی در موضوع تفسیر آیات و احکام و موضوعات مرتبط قرآنی جمع‌آوری کرده است؛ گرچه روایات عطیه بیشتر از این است.^۴ این روایات بر اساس ترتیب سوره‌های قرآن تنظیم شده و با فهرس متعدد، در سه مجلد منتشر شده است. با توجه به تلاش ستودنی این محقق در مجموعه سه جلدی، ضرورت وجود پژوهشی در زبان فارسی درباره عطیه کوفی و انعکاس بیشتر زوایای شخصیت عطیه، اندیشه و مذهب او و نیز انعکاس بیشتر ابعاد علمی او احساس می‌شود؛ گرچه برای نشان دادن گستره روایات عطیه و موضوع بندی و گونه شناسی آنها نیاز به پژوهشی گسترده با نام *مسند عطیه کوفی* به نظر می‌رسد که این پژوهش در پی آن نیست. ساختار این پژوهش بر اساس طرح مصوب اعلام المفسرین^۵ است و برای تکمیل پژوهش، به مجموعه سه جلدی *تفسیر القرآن الکریم للمفسر والمحدث الفقیه عطیه بن سعد بن جنادة العوفی الکوفی* و نرم افزارهای *جامع التفاسیر*، *کتابخانه اهل بیت* و *جامع الاحادیث* (نور ۳/۵) بسیار مراجعه شده است.

۳. این مجموعه را انتشارات دلیل ما در سال ۱۳۸۸ ش، چاپ کرده است.

۴. مواردی از روایات تفسیری عطیه در منابع کهن مشاهده شد که در این مجموعه بازایی نشده است (رک شرح الاخبار، ج ۱، ص ۲۳۶-۲۳۷).

۵. در الگوی اعلام نگاری مفسران سه شاخصه: زیست‌نامه (حدود ده درصد)، زندگی‌نامه اجتماعی، سیاسی (بیست تا سی درصد) و زندگی‌نامه علمی (شصت تا هفتاد درصد).

زیست نامه

عطیه بن سعد بن جناده کوفی عوفی از مفسران امامیه، در خانه صحابی پیامبر و مرید حضرت علی علیه السلام سعد بن جناده در کوفه متولد شد. پدرش «سعد بن جناده» از قبیلہ ابن جدیل است و از اولین افراد اهل طایف بود که به دست مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام آورد (قمی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۶۹). پدر عطیه پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله از جمله کسانی است که حکومت امام علی علیه السلام را درک کرد و از مریدان آن حضرت شد و در جنگ‌ها با ایشان همراه بوده و روایات زیادی نیز از او نقل شده است. در دوره انتقال حکومت آن حضرت به کوفه، به آنجا مهاجرت کرد و در اواخر حکومت امام علی علیه السلام صاحب فرزندی شد و حضرت علی علیه السلام بر او نام نهاد. گویند وقتی عطیه بن سعد به دنیا آمد، پدرش او را در کوفه نزد امیرالمؤمنین آورد و عرض کرد: یا امیرمؤمنان، برایم پسری به دنیا آمده، برایش نامی تعیین فرما. حضرت فرمود: این «عطیه» خدا است. از این رو، به عطیه نامگذاری شد (ابن سعد، بی تا، ج ۶، ص ۳۰۴؛ طبری، ۱۳۵۸ق، ص ۱۲۸). امام علیه السلام بعد از نامگذاری، برای عطیه صد درهم حقوق ماهانه تعیین فرمود و پدرش با دریافت حقوق برای عطیه غذا تهیه می کرد (ابن سعد، بی تا، ج ۶، ص ۳۰۴؛ ابن حجر، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۲۰۱). کنیه او ابوالحسن است. او در منابع رجالی و تفسیری، به سبب زادگاهش، کوفی (ابن عدی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۳۷) و به خاطر نسبتش به قریه قیس، جدلی (ابن حزم، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۰۹؛ طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۱۶، ص ۱۱۵) و به سبب نسبتش به عوف بن سعد، به عوفی (سمعانی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۵۸) ملقب شده است. تاریخ ولادت او در کتب تراجم ثبت نشده است و از آن جا که به فرمایش امام علی علیه السلام او را عطیه نامیدند (ابن سعد، بی تا، ج ۴، ص ۳۰۴) زمان و مکان تولد او در دوره حکومت امام علی علیه السلام در کوفه بین سال‌های ۳۶ - ۴۰ق، بوده است. در تاریخ وفات او نیز اختلاف است و بیشتر، سال ۱۱۱ق، را زمان وفات او می دانند (ابن سعد، بی تا، ج ۶، ص ۳۰۴؛ ابن حجر، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۲۰۰). برخی نیز سال ۱۲۷ق، را زمان وفات او دانسته اند (عصفری، ۱۴۱۴ق، ص ۲۷۲؛ ابن حبان، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۷۶). شجری در کتاب *مالیه الاثنینیه*، در واقعه به دار آویختن زید بن علی علیه السلام، از عمرو بن قیس، از عطیه نقل می کند که گفت: «چگونه امتی رستگار می شود وقتی که با فرزند پیامبرشان این گونه رفتار می کنند». عمرو در ادامه می گوید: عطیه را بعد از آن روزی که داخل کناسه شد، دیگر ندیدم تا وفات نمود (جرجانی شجری، ۱۴۲۹ق، ص ۶۴۸ و ۸۷۷). از آن جایی که شهادت زید بن علی علیه السلام حدود سال ۱۲۱ یا ۱۲۲ق اتفاق افتاده است، این نقل، وفات عطیه در سال

۱۲۷ق، را تأیید می‌کند.

ادوار حیات عطیه

زندگی عطیه از بدو تولد تا وفات او به چهار دوره قابل تقسیم است:

دوره اول. از بدو تولد (۳۴ - ۴۰ق) او تا حضور عطیه در شکستن حصر هاشمیین (۶۵ق). عطیه در این دوره حدود سی سال سن دارد. و به طور معمول، باید او این مدت را در کوفه سپری کرده باشد. او به همراه جابروه عنوان اولین زایران امام حسین علیه السلام و اصحابش در سال ۶۱ ق، در سرزمین مقدس کربلا حضور یافتند و راوی روایت اربعین امام حسین علیه السلام است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۸، ص ۳۳۳ - ۳۳۶؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۷۸۷). آنچه که در این زیارت باید بدان توجه شود، مواجهه عطیه با اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله به خصوص امام زین العابدین و امام باقر علیه السلام است. بعید نیست که عطیه با آن دو بزرگوار ملاقات کرده باشد؛ گرچه گزارشی از آن اتفاق نیست و چه بسا افکار و اندیشه و رفتار عطیه در مقابله با حوادث در این ملاقات تقویت و محکم شده باشد.

دوره دوم. بازه زمانی این دوره هفده سال است؛ یعنی از زمان آزادی ابن عباس و هاشمیین از حصر این زبیر در مکه (۶۵ق) تا شکست انقلاب قزاق (۸۲ق) در کوفه است. عطیه بعد از رهایی یافتن ابن عباس و محمد حنفیه و دیگر هاشمیین از اسارت و حصر بنی زبیر، برای حفاظت از آنان در طایف مستقر می‌شود، و به تصریح خود او، تا وفات ابن عباس (۶۸ق) در این شهر حضور دارد (ابن سعد، بی تا، ج ۵، ص ۱۰۰ - ۱۰۳). قرآینی در این متون حاکی از آن است که شاید عطیه در این مدت سه سال (۶۵ - ۶۸ق) از ابن عباس تفسیر آموخته و روایت اخذ کرده باشد و تفسیر و قرائت قرآن را در این مدت عرضه کرده باشد. قیام قزاق در ذیحجه سال ۸۱ق، آغاز شد و در چند مرحله ادامه پیدا کرد. عطیه همراه دیگر قزاقی کوفه، مانند سعید بن جبیر علیه جنایات حاکم وقت حضور داشت. این قیام در شعبان سال ۸۲ق، با شکست قزاق تمام شد و عطیه به فارس گریخت.

دوره سوم. حضور در ایران بین سال‌های ۸۲ تا ۱۰۲ق، به مدت بیست سال. عطیه بعد از تحمل شکنجه حاکم وقت فارس به سبب پیروی امام علی علیه السلام تا سال ۸۶ق، در فارس حضور داشت و بعد به خراسان رفت و تا سال ۱۰۲ق، در آنجا ماند (ابن حجر، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۲۲۴-۲۲۶؛ زرکلی، ۱۹۸۹م، ج ۴، ص ۲۳۷).

دوره چهارم. حضور مجدد او در کوفه از سال ۱۰۲ق، که مدت نه یا ۲۵ سال است. اگر وفات عطیه سال ۱۱۱ق، باشد، او به مدت نه سال در کوفه بوده است و اگر وفات او

سال ۱۲۷ق، باشد، به مدت ۲۵ سال در کوفه بوده است. در این مدت، با توجه به منزلت عطیه در کوفه، به تدریس و نشر معارف قرآنی و رسیدگی به مسائل مردم پرداخت؛ چراکه مردم به عنوان فقیه و محدث کوفه، به عطیه مراجعه می‌کردند (ابن قتیبه، بی تا، ص ۵۱۸؛ ذهبی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۴۵). حضور عطیه به عنوان فرمانده نیروها در حرکت به سوی مکه و شکستن حصر هاشمیین (ابن سعد، بی تا، ج ۵، ص ۱۰۰-۱۰۳)، ارادت او به امام علی علیه السلام و بیان فضایل اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله (نسایی، بی تا، ج ۲، ص ۶۶۱) و فضای شیعی کوفه، و این که فرزندان عطیه در زمره اصحاب امام صادق علیه السلام بودند (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۶؛ حلی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۰۴) همه از جایگاه ممتاز او در میان قوم و مردم کوفه حکایت دارد.

در نگاه رجالیان

عطیه در دیدگاه اکثر علمای رجالی و در منابع معتبر اهل تسنن به «ثقه» (ابن سعد، بی تا، ج ۶، ص ۳۰۵؛ سبط ابن جوزی، ۱۳۹۹ق، ص ۴۷)، «لیس به بأس» (عمر بن شاهین، ۱۴۰۴ق، ص ۱۷۲) و «صالح» (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۷) توصیف شده است. برخی نیز او را تضعیف کرده‌اند. تعابیر: «عطیه عوفی، تابعی و ثقه است، لکن قوی نیست» (عجلی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۱۴۰)، «ضعیف است» (نسایی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۲۵؛ ابن حجر، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۲۰۱-۲۰۲) و «حدیث عطیه حجت نیست» (ابن حجر، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۲۰۱-۲۰۲) حاکی از این موضوع است. ابن حجر دلیل عدم حجیت حدیث عطیه را از ساجی، مقدم دانستن علی بن ابی طالب علیه السلام بر همه از سوی عطیه می‌داند (همو). در پژوهش‌های معاصر نیز بر محدث و شیعی بودن عطیه تأکید شده است (زرکلی، ۱۹۸۹م، ج ۴، ص ۲۳۷).

دیدگاه منفی برخی از علمای رجال را نسبت به عطیه باید در مقدم داشتن امام علی علیه السلام بر دیگران و ارادت و گرایش او به اهل بیت علیهم السلام پی جوئی کرد؛ چراکه وجود روایات عطیه عوفی در صحاح و سنن و کتب تفسیری که مؤلفان و مصنفان آنها شرایط و ضوابطی برای انتخاب روایت صحیح دارند، حاکی از وثاقت و صحت روایات او است. به چند نمونه اشاره می‌کنیم: ابن ابی حاتم (م ۳۲۷ق) در مقدمه تفسیر خود تصریح می‌کند که روایات تفسیری در این تفسیر از صحیح‌ترین اخبار از حیث سند و متن است (ابن ابی حاتم، بی تا، ج ۱، ص ۱۴). با جست و جوی در این تفسیر، سند بسیاری از روایات‌های این

تفسیر به عطیه عوفی، از ابن عباس می‌رسد. شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) در مقدمه تفسیر تصریح می‌کند که تفسیر قرآن جایز نیست، مگر به اثر روایت صحیح از پیامبر اسلام ﷺ باشد (طوسی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۲-۴) و او در تفسیرش بیست روایت از عطیه نقل کرده است.

در منابع شیعی از او با عنوان «عطية العوفی» یا «عطية الكوفی» و از اصحاب امام باقر علیه السلام یاد کرده‌اند (طوسی، ۱۴۱۵ ق، ص ۱۴۰) و از امام باقر علیه السلام روایت نقل می‌کند (حلی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۷۷۶)؛ گرچه در منابع رجالی شیعه درباره جرح و تعدیل عطیه عوفی گزارش زیادی نقل نشده است؛ لکن روایات عطیه در مصادر و اسانید مهم حدیثی شیعه نقل شده است؛ مانند کتب اربعه (طوسی، ۱۳۶۴ ش، ج ۸، ح ۶، ص ۱۲؛ همو، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۲۵۳، ح ۹۰؛ صدوق، بی تا، ج ۲، ص ۴۸۰)، کتب حدیثی کهن شیعه (طوسی، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۴۸ و ۲۵۵؛ همو، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۵۰۰؛ طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۲۱، ۲۳۲؛ قمی، ۱۴۰۷ ق، ص ۳۶ و ۱۶۹؛ کراچکی، ۱۳۶۹ ش، ص ۲۲۵؛ کوفی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۱۴۸، ۳۰۱، ۵۰۱، ۵۱۰ و ج ۲، ص ۹۸، ۱۰۵، ۵۱۰)، کتب سید بن طاووس، *العمدة ابن بطریق* و منابع دیگر. بنا بر یک اصل عقلی، افکار، گفتار و رفتار یک شخص، شاکله انسانی و اصلی آن فرد را شکل می‌دهد. برای فهم سلامت و وثاقت فرد، رجوع به افکار، گفتار و رفتار شخص کافی است. با این که گزارش‌های اندکی درباره عطیه وجود دارد، اما از این اصل عقلی می‌توان وثاقت و سلامت عطیه را به دست آورد. موضوع بیشتر روایات عطیه ناظر بر مسائل و حوادث حساس و تأثیرگذار آن زمان، مانند روایات ثقلین، ائمه اثنی عشر، حدیث منزلت، غدیر، زیارت اربعین و... است. از طریق این روایات می‌توان افکار و گفتار عطیه را دنبال کرد. افکار و گفتار عطیه در جهت روشن‌گری برای آگاهی از حقیقت و تبیین صحیح حوادث و تشخیص حق از باطل است. رفتار عطیه در همین مسیر، یعنی دفاع از حق و روشن‌گری تحلیل می‌شود؛ رفتارهایی نظیر اولین زایر سید الشهداء، رهایی هاشمیین و شرکت در قیام قزاء و...

و از طرف دیگر، بیشتر راویان روایات عطیه افرادی ثقه و امامی و صحیح‌المذهب هستند؛ مانند ابان بن تغلب، زیاد بن المنذر، خالد بن طهمان و... که خود از محدثان و

۶. جای تأمل دارد؛ چرا شخصیتی که در اوج استبداد به بیان فضایل اهل بیت علیهم السلام و نشر معارف قرآنی پرداخته است. در منابع رجالی شیعه گزارش دقیق و قابل توجهی از او نشده است؛ به طوری که مامقانی او را امامی مجهول توصیف می‌کند (مامقانی، ۱۳۵۰ ش، ج ۲، ص ۲۵۳).

مفسران جلیل القدر به شمار می‌آیند (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۰، ۱۵۱ و ۱۷۰). فرزندان عطیه همگی از اصحاب امام صادق علیه السلام هستند. در ترجمه حسن بن عطیه آمده است:

ثقة امامی صحیح المذهب ظاهراً و اخواه ایضاً (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۶؛ حلی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۰۴، ۱۹۰ و ۲۷۷).

بیشتر روایات عطیه از طریق پسرش حسن بن عطیه نقل شده است (سرگین، فؤاد، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۶۸) و پدر عطیه چنان که گذشت، از صحابه پیامبر و از مدافعان ولایت امام علی علیه السلام است. بنا بر این، تردیدی در وثاقت فردی و اجتماعی عطیه باقی نمی‌ماند.

تلاش‌های اجتماعی سیاسی

فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی عطیه از حضور در اربعین واقعه کربلا (۶۱ق) تا حضور او در فارس (۸۲ق) به مدت ۲۱ سال است؛ یعنی هر دو حادثه در زمان امامت امام زین العابدین علیه السلام بوده است.

زیارت اربعین

همراهی عطیه با جابر در زیارت اربعین حسینی در آن برهه حساس از جهت سیاسی، اهمیت بسیار دارد. عطیه زیارت اربعین را از جابر بن عبد الله انصاری صحابی جلیل القدر روایت می‌کند (مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۴۶؛ آیتی، ۱۳۸۵ش، ص ۳۳۱؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۷۸۷). شیعیان بعد از شهادت سید الشهداء و اصحابش، در خفقان شدید به سر می‌بردند. جابر بن عبد الله - که تنها باقی مانده صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود - به زیارت تربت امام علیه السلام شتافت. جابر بعد آگاهی از شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش، راه کوفه را در پیش گرفت و به همراه عطیه عوفی به عنوان اولین زائران اربعین شهادت امام حسین علیه السلام و اصحابش در سال ۶۱ ق، در سرزمین مقدس کربلا حضور یافتند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۸، ص ۳۳۳ - ۳۳۶؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۷۸۷). شهادت و شجاعت آن دویز بزرگ مرد، در آن موقعیت حساس، جلوه‌ای خاص به زیارت اربعین داد؛ زیرا یزید کسی را بعد از شهادت امام حسین علیه السلام مانع ظلم و فساد خود نمی‌دید و نگرش جامعه به نهضت امام حسین علیه السلام نگرشی همراه با بی‌تفاوتی و گاه اعتراض آمیز بود. در آن موقعیت حساس و خفقان، حرکت جابر از مدینه و عطیه از کوفه برای زیارت سید الشهداء تأییدی بر قیام آن حضرت بود (أمین، بی تا، ج ۱۵، ص ۱۴۳؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۷۸۷). این حرکت انقلابی به شعله‌ور

شدن نهضت حسینی و افشای جنایات دژخیمان بنی امیه انجامید و عطیه و جابر از بنیانگزاران قیام‌هایی شدند که در دفاع از قیام کربلا به وسیله توابین و دیگران شکل گرفت (ر.ک: قاضی طباطبایی، اول اربعین؛ تحقیق درباره اول اربعین حضرت سید الشهداء).

شکستن حصر هاشمیین

بعد از مرگ یزید در سال ۶۴ق، و امتناع ابن عباس و محمد بن حنفیه و بقیه هاشمیان از بیعت با عبد الله بن زبیر، آنها در محاصره نیروهای زبیری واقع شده و تهدید گردیدند که در صورت عدم بیعت، سوزانده خواهند شد. خبر به کوفه رسید و ابو عبد الله جدلی و عطیه عوفی با چهار هزار نفر به سوی مکه حرکت کردند و برای اقدام سریع، هشتاد نفر از مردان قوی به فرماندهی عطیه عوفی وارد مکه شدند و هاشمیان را از این محنت نجات دادند (ابن سعد، بی تا، ج ۵، ص ۱۰۰ - ۱۰۲؛ مسعودی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۷۶ - ۷۷).

قیام مفسران و قراء

مبارزه سیاسی عطیه عوفی در زمان حکومت جبار عبد الملک مروان، پنجمین خلیفه اموی، در مقابل حجاج بن یوسف ثقفی - که دستانش به خون شیعیان علوی آغشته بود - از دیگر رخدادهای زندگی اوست. در زمان فرمانروایی این ستمگرا اموی در کوفه قیام‌های متعددی شکل گرفت که یکی از آنها قیام عبد الرحمن بن محمد بن اشعث در سال ۸۰ق، بود. این نهضت از خراسان آغاز شد. شورش و قیام قراء به خاطر جنایت‌های بی شمار حجاج ثقفی و مخالفت او با سنت نبوی شکل گرفت و حدود پانصد نفر از قراء و مفسران به رهبری عبد الرحمن بن محمد بن اشعث به دفاع از اسلام و حفظ مقدسات برخاستند که بیشتر قراء و مفسران کوفه از جمله سعید بن جبیر و عامر شعبی و عطیه بن سعد کوفی در این قیام حضور داشتند. این قیام در پنج مرحله، بین سال‌های ۸۱ق، محرم سال ۸۲ق، صفر ۸۲ق، جمادی ۸۲ق، و پنجمین درگیری، شعبان سال ۸۲ق، بین آنها در گرفت. حجاج جمعی از قراء را کشت (ابن سعد، بی تا، ج ۶، ص ۲۲۱، ۲۹۳ و ۳۰۴) و پس از شکست قیام قراء، عطیه به ایران گریخت و در فارس ماند. حجاج بن یوسف به محمد بن قاسم ثقفی، حاکم فارس نوشت که عطیه را نزد خود فرا بخواند و از او بخواهد که علی بن ابی طالب علیه السلام را دشنام دهد. اگر چنین نکرد، چهارصد ضربه شلاق به او بزند و سروریش او را بتراند. حاکم فارس هم نامه حجاج را برای عطیه خواند و چون او حاضر به ناسزاگویی به امام علی علیه السلام نشد، چهارصد ضربه شلاق به او زد و موهای سرو صورتش را تراشید. وی در سال ۸۶ق، از

فارس به خراسان رفت. بعد از مرگ حجاج و حکومت عمر بن هبیره بر عراق، عطیه برای بازگشت به کوفه نامه‌ای به او نوشت و در پی موافقت او، در سال ۱۰۲ق، به زادگاهش کوفه بازگشت و در همان جا از دنیا رفت (طبری، ۱۳۵۸ق، ص ۹۵؛ ابن حجر، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۲۰۰ - ۲۰۲؛ زرکلی، ۱۹۸۹م، ج ۴، ص ۲۳۷).

اندیشه سیاسی عطیه

در ابتدا لازم است برای تبیین بهتر اندیشه و تفکر عطیه به حوادث سده اول اشاره‌ای شود. با توجه به حوادث سده اول اسلام، تفکر و وصایت بلا فصل امام علی علیه السلام در میان مسلمانان مطرح بود. این تفکر در زمان حیات پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله توسط آن حضرت در مناسبت‌های مختلف از فضایل و مناقب امام علی علیه السلام و از رهبری او برای امت اسلامی پس از پیامبر صلی الله علیه و آله مطرح می‌شد، مانند: فضایل امام علی علیه السلام، حدیث آغاز دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله، حدیث منزلت، اعلان برائت از مشرکین، مشارکت در مباحله، حدیث غدیر و حدیث کساء که تاریخ مدون گواه این ادعا است (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۴۶۰ - ۴۶۱؛ طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۳۰، ص ۳۳۵). پس از رحلت نیز برخی از صحابه و تابعین از این تفکر پیروی می‌کردند که به این افراد شیعیان و پیروان امام علی علیه السلام اطلاق می‌شد. بر این اساس، می‌توان نگرش عطیه را - که برآمده از افکار و رفتارهای او نسبت به جریان‌ها و حوادث آن دوره است - تحلیل کرد.

بیشتر احادیثی که عطیه روایت کرده، حاکی از اندیشه و تفکر او در احیای سنت نبوی و ولایت‌مداری او است. او راوی روایاتی است که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در زمان حیات خود به آنها سفارش فرمود؛ مانند: حدیث ثقلین (ابن حنبل، بی تا، ج ۳، ص ۱۴)، حدیث ائمه اثنی عشر (خزاز قمی، ۱۴۰۱ق، ص ۲۸ - ۳۱)، حدیث سفینه نوح (طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۸۵)، تفسیر آیه «إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس» (طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۲۹)، تطبیق آیات متعدد به اهل بیت علیهم السلام (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۴۷۱)، حدیث غدیر (طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۲۱۳)، حدیث منزلت (ابن حنبل، بی تا، ج ۳، ص ۳۲)، سد الابواب (ترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۳۰۳؛ بیهقی، بی تا، ج ۷، ص ۶۶) و حدیث اعطای فدک (ابن طیفور، بی تا، ص ۱۲؛ ابی یعلی، بی تا، ج ۱، ص ۴۵۹ و ۵۸۳) و نیز زیارت اربعین (طبری، ۱۴۲۰ق، ص ۱۲۵).

عطیه همان اندیشه ارادت و اخلاص به امام علی و اهل بیت علیهم السلام را در رفتار خود نمایان

می‌کرد. او آموخته‌هایش را با بیانی استوار برای جامعه اسلامی و تاریخ مطرح کرد و از حریم ولایت علوی به دفاع پرداخت و نامش در سند بسیاری از روایاتی است که منزلت و فضایل حضرت علی علیه السلام را بیان می‌کند (موارد متعددی در المناقب کوفی، المناقب ابن شهر آشوب و سفینة البحار نقل شده است)؛ برای نمونه عطیه از کسانی است که حدیث غدیر خم را نشر می‌داد و در روایتی از ابن ابی اوفی می‌خواهد که حدیث غدیر خم را بیان کند ... (ابن طاووس، ۱۳۹۹ق، ص ۱۴۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۷، ص ۱۸۵). عطیه درباره شأن نزول آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ (مائده: ۶۷) می‌گوید:

نزلت هذه الآية على رسول الله صلى الله عليه وآله في علي بن ابي طالب عليه السلام (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۷، ص ۱۹۰).

بیان چنین احادیثی درباره امام علی علیه السلام، در زمانی که آشکارا به آن حضرت ناسزا می‌گفتند، دارای ارزشی والا بود؛ زیرا درباریان آگاه و مردم ناآگاه دشنام دادن به آن حضرت در هر قنوت و خطبه را از فرایض مسلمانان می‌دانستند. در چنین فضای آشوب زده‌ای، عطیه به افشاگری پرداخت و با نقل فضایل علی علیه السلام می‌کوشید تا ولایت امام علی علیه السلام را در جامعه تثبیت کند.

اندیشه و رفتار عطیه در دفاع از حق، محکم و مستقیم بود و به خاطر آن، سخت‌ترین شکنجه‌ها و تازیانه‌های حاکمان ظالم را تحمل کرد (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۲۹۶؛ زرکلی، ۱۹۸۹م، ج ۴، ص ۲۳۷؛ ابن سعد، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۰۴).

مذهب عطیه

عطیه کوفی با توجه به تفکر و عملکردش، به یقین جزء پیروان و شیعیان امام علی علیه السلام است؛ چرا که عطیه در خانواده‌ای محب ولایت و اهل بیت علیهم السلام و مدافع سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زندگی‌اش را آغاز کرد و نیز در زیست نامه عطیه گذشت که زندگی او با دعا و عنایت امام علی علیه السلام شروع و در خانواده‌ای ولایتمدار و حامی سنت نبوی رشد کرد. در این جا به برخی از اندیشه‌ها و رفتارهای عطیه - که بیان‌گر مذهب و عقیده او است - اشاره می‌شود:

۱. اول کسی است که به همراه جابر بن عبد الله به زیارت تربت پاک حضرت سید الشهداء علیه السلام نایل شد و زیارت اربعین را روایت کرده است (طبری، ۱۴۲۰ق، ص ۷۴).

۲. شرکت او در شکستن محاصره هاشمیان (ابن سعد، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۰۰ - ۱۰۲)؛

- مسعودی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۷۶ - ۷۷).
۳. امتناع اواز لعن امیرالمؤمنین علیه السلام و تحمل شکنجه به خاطر عقیده (ابن سعد، بی تا، ج ۶، ص ۳۰۴).
۴. روایت های تفسیری او در فضایل امام علی و اهل بیت علیهم السلام (ابن ابی حاتم، بی تا، ج ۸، ص ۲۶۲۸؛ طبرانی، بی تا، ج ۵، ص ۱۹۵؛ نسایی، بی تا، ج ۲، ص ۶۶۱).
- بنا بر این، تردیدی نیست که عطیه در زمره شیعیان و پیروان امام علی علیه السلام قرار دارد و او را در بعضی از منابع رجالی و تراجم عامه به خاطر عقیده و پیروی از امام علی علیه السلام ضعیف دانسته اند.

جایگاه علمی

برای فهم و دست یابی به مقام و منزلت علمی هر عالمی به آثار علمی برجای مانده از او مراجعه می شود و یا اشتها را در آن زمینه و اساتید و شاگردانش بررسی می شود.

آثار

تفسیر قرآن: با توجه به این که در سده اول و تا قبل از دوران تابعین هنوز تفسیر قرآن تدوین نشده بود و تفسیر آیات قرآن در قالب روایات تفسیری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و صحابه ارائه می شد، بیشتر روایات تفسیری عطیه هم این چنین است. هم چنین با تأمل در اقرار عطیه به این که سه مرتبه تفسیر قرآن و هفت مرتبه قرائت قرآن را به ابن عباس عرضه کرده است (تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۲۸۳؛ مامقانی، ۱۳۵۰ق، ج ۲، ص ۲۵۳، به نقل از *ملحقات الصراح*)، این تلقی را ایجاد می کند که تفسیر قرآن به صورت مدون و مکتوب بوده باشد. به هر حال، تفسیر او در دسترس نیست و فقط از طریق گردآوری روایات او در منابع روایی، می توان به این مهم دست یافت. در بخش جایگاه روایات عطیه به آن پرداخته می شود.

کتاب *أحكام الوتر*؛ ابن حجر در گزارش خود می گوید که این کتاب نزد محمد ابن نصر^۷ بوده و کتابی نفیس در یک مجلد، روایت عطیه درباره «احکام وتر» است (ابن حجر، بی تا، ج ۲، ص ۳۹۷؛ عینی، بی تا، ج ۷، ص ۲).

۷. محمد بن نصر مروزی، فقیه و دارای آثار زیاد و از داناترین مردم به اختلاف صحابه است. وفات او سال ۲۹۴ق، است (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۴، ص ۳۳ - ۳۴).

مکانت و اشتها

عطیه عوفی از مشاهیر تابعین است (ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۳، ص ۷۹) و تعدادی از صحابه پیامبر ﷺ را درک کرده و در ملازمت با آنان و استماع از آنان روایاتی نقل کرده است. او کثیر الحدیث و ثقه بوده است (طبری، ۱۳۵۸ق، ص ۱۲۸) و دلیل آن، گستره روایات او در کتب اربعه و صحاح و سنن و کتاب‌های معتبر عام و خاص است که شرایطی سخت برای تلقی صحت و پذیرش روایات دارند. در نظر کلبی، عطیه یکی از مراجع اصلی تفسیر قرآن بوده است (سزگین، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۶۸). بیشتر روایات او تفسیری و مورد توجه مفسران بعدی بوده است. طبری در ۱۵۶۰ جا از تفسیر خود از روایت عطیه نقل کرده است. از او به عنوان محدّث، مفسّر و فقیه کوفه یاد کرده و صاحب معرفت و فهم می‌دانند (ابن قتیبه، بی تا، ص ۵۱۸؛ ذهبی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۴۵) محدث قمی او را از رجال علم و حدیث می‌داند (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۰۵). از ابن تیمیه (م ۷۲۸ق) نقل شده که «داناترین مردم به تفسیر مردم مکه هستند؛ چرا که آنان اصحاب و شاگردان ابن عباس هستند». او اسامی تعدادی را ذکر می‌کند؛ مانند: حسن بصری، عطاء بن ابی رباح، ... و عطیه عوفی. وی در ادامه می‌گوید:

فهؤلاء قدماء المفسرين وغالب اقوالهم تلقوها من الصحابة؛

اینان قدمای از مفسران هستند که بیشتر اقوالشان را از صحابه دریافت کرده‌اند

(سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۵۰۰؛ زکشی، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۱۵۸).

نام عطیه در زمره مفسران از تابعین قرن اول ذکر شده است (ادنه‌وی، ۱۴۱۷ش، ص ۱۳). بنا بر این، جایگاه عطیه عوفی در تفسیر روایی قابل انکار نیست و بلکه اکثر مفسران، با مذاهب مختلف، اقوال عطیه را نقل کرده‌اند. در بعض موارد تفسیر عطیه به عنوان تفسیر صحیح در میان برخی اقوال مفسران، تلقی شده و با عبارت «وهذا هو الصحيح» بر رأی و نظر صحابه ترجیح داده‌اند (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰، ص ۱۲؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۸، ص ۲۳۰؛ رازی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۲۳۰؛ خازن، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۲۰؛ ابن عادل، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰، ص ۲۳۷).

اساتید

عطیه، از صحابیانی چون: جابر بن عبد الله انصاری، ابن عباس، ابوسعید خدری، عبد الله بن عمر، زید بن ارقم، سعد بن جناده عوفی، عبد الله بن حسن بن علی بن ابی

طالب علیه السلام و ثابت بن اسلم و... روایت کرده است. در ادامه به برخی از مشایخ و اساتیدی عطیه که محضر آنها را درک کرده و به طور شفاهی استماع روایت کرده و بر او تأثیرگذار بوده‌اند، به اختصار اشاره می‌شود و اسامی دیگر مشایخ هم یادآوری می‌شود:

۱. ابن عباس، در تفسیر، شاگرد امام علی علیه السلام است (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۱؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۵) و تأییدی بر علم قرآنی وی از رسول خدا صلی الله علیه و آله گزارش شده است که درباره او فرمود:

لکل شیء فارس و فارس القرآن ابن عباس؛

برای هر چیزی سوارکار و استاد است و استاد در قرآن ابن عباس است (فتال نیشابوری، بی تا، ص ۲۸۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۲، ص ۳۴۳).

امام علی علیه السلام درباره فهم و درک بالای او می‌فرماید:

گویا ابن عباس به مسائل و حقایق قرآنی از ورای پرده می‌نگرد (ابن ادریس، ۱۴۲۹ق، ص ۲۹؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۱).

از جمله ویژگی‌های ابن عباس توانایی و احاطه او در تفسیر آیات قرآن کریم است. او با تسلط بر علوم قرآنی، مانند قرائت و اسباب نزول آیات و با استفاده از شیوه‌های متنوع در تفسیر قرآن، مانند تفسیر قرآن به قرآن، استشهاد به لغت و شعر و با آگاهی از اقوال دیگران، شاگردانی تربیت کرد که آنان نیز از این علوم و فنون برخوردار شدند (رک: طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۲۵۳؛ ج ۱۳، ص ۲۰۸؛ ج ۳۰، ص ۲۲۰). عطیه در تفسیر آیات، سبک و شیوه ابن عباس را دارد و گرایش او به آراء و نظریات ابن عباس در تفسیر قرآن است؛ به طوری که سه مرتبه تفسیرش را به ابن عباس ارائه می‌کند و تأیید او را دریافت می‌کند. با استقرای روایات تفسیری عطیه در منابع تفسیری، می‌توان اذعان نمود که اکثر روایات تفسیری عطیه از ابن عباس است. طبری در ۱۵۶۰ جا در تفسیر خود، روایات عطیه را از ابن عباس نقل کرده است (سزگین، فؤاد، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۶۸) و سیوطی نه طریق (سند روایتی) صحیح و درست در به دست آوردن تفسیر ابن عباس بیان داشته است (سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۷۴ - ۳۷۶) که عطیه از جمله این طرق قرار دارد و طریق او نیز درست و مورد تأیید است. بیشترین روایات تفسیری عطیه از ابن عباس هم از این طریق، یعنی «الحسن بن عطیه عوفی، عن ابیه، عن ابن عباس» است که در طرق نقل روایات به آن پرداخته می‌شود. بر اساس این جایگاه است که مفسران و دانشمندان در تفسیر به عطیه اعتماد داشته‌اند و

روایات او را نقل کرده اند.

۲. جابر بن عبد الله، صحابی جلیل القدر و از مشایخ مهم و تأثیرگذار عطیه عوفی است. عطیه در اولین زیارت اربعین سید الشهداء از کوفه تا کربلا و در ملازمت و مصاحبت با جابر بن عبد الله بوده است. عطیه بر اساس سؤال و جواب هایی که بین آنها شده، روایات متعددی از جابر در تفسیر آیات و فضایل امیرالمؤمنین و اهل بیت و جانشینان پیامبر یعنی ائمه اثنی عشر علیهم السلام نقل کرده است (ابن جبر، ۱۴۱۸ق، ص ۵۵۵؛ زیلعی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۲۳۶).

۳. ابوسعید خدری از مشایخ عطیه است. از او بسیار روایت دارد و در کتب و منابع معتبر، بیشتر روایات تفسیری عطیه از ابی سعید خدری، از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل شده است و اکثر طرق عطیه به ابوسعید، متصل است و حدود ۲۱ طریق متصل نقل شده است (حرزالدین، ۱۳۸۸ش، ج ۱، ص ۱۷۱ - ۱۷۴) و روایات تفسیری عطیه بیشتر درباره فضایل اهل بیت علیهم السلام و اسباب نزول آیات است؛ برای نمونه: عطیه از ابی سعید نقل می کند که وقتی آیه **﴿وَقَفَّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾** (صافات: ۲۴) نازل شد، پیامبر فرمود:

سؤال از ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام است (حاکم الحسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۱۶۲).

و هنگامی که آیه **﴿وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ﴾** (اسراء: ۲۶) نازل شد، پیامبر برای فاطمه دعا کردند و فدک را به او عطا کردند (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴۳۹؛ واحدی، ۱۳۸۸ق، ص ۲۰۷).

۴. عبد الله ابن عمر از دیگر مشایخ عطیه است. روایات عطیه از ابن عمر بیشتر به صورت سؤال و درباره احکام فقهی است؛ به طوری که عطیه کتابی روایی درباره احکام الوتر داشته است که روایات عطیه از ابن عمر است. ابن حجر از آن با عبارت «کتاب نفیس فی مجلدة من روایة عطیة عن ابن عمر...» یاد می کند (ابن حجر، بی تا، ج ۲، ص ۳۹۷). عطیه روایاتی هم درباره قرائت و اسباب نزول آیات از ابن عمر نقل می کند (ابن حنبل، بی تا، ج ۲، ص ۵۸؛ طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۲۸).

عطیه از اساتید و مشایخ دیگر، از صحابه و بعضی تابعین، روایات تفسیری نقل کرده است که به برخی اشاره می شود: زید بن ارقم، ثابت بن اسلم، انس بن مالک، عبد الله بن ابی اوفی، علی بن داود سامی بصری، ابوسهل مروزی، عبد الرحمان بن جندب و پدر عطیه سعد بن جناده عوفی، از تابعین هم می توان به عکرمه و... اشاره کرد.

شاگردان

از مجالس درس عطیه با توجه به شرایط خاص دوران زندگی او گزارش چندانی در دست نیست. تنها در گزارشی که از جلسه درس او و شیوه تدریس او وجود دارد، حکایت از فعالیت حدیثی - تفسیری او دارد. ابن حیان از جلسه و شیوه درس او در کوفه این گونه گزارش می‌کند:

جلسه درس او به صورت مباحثه و مناظره برگزار می‌شد و همه شاگردان را بعد از بحث و طرح نظریات، به کتابی فرامی‌خواند و در آن نگاه می‌کرد و سپس مسائل را مطرح می‌کرد و بر اساس نوشته‌های آن کتاب، به افراد می‌گفت که نظرش درست یا اشتباه است (ابن حیان، بی تا، ج ۳، ص ۲۶۷).

کثرت راویان از عطیه قرینه است که عطیه مجلس درسی داشته است. درباره شاگردان او چون گزارش و اطلاعاتی در کتب تراجم و رجالی بیان نشده است، در این نوشتار راویان از عطیه به عنوان شاگردان او تلقی شده‌اند؛ چراکه در بررسی اسانید روایات ایشان با توحید و تمییز مشترکات و مختلفات معلوم شد که راویان زیادی از ایشان نقل حدیث کرده‌اند که به بیش از ۱۱۰ نفر می‌رسند. به اسامی چند نفر از این راویان - که در شمار اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام قرار دارند و مورد وثوق هستند و از منشی و اندیشه عطیه متأثر هستند، اشاره می‌شود:

فرزندان عطیه: حسن بن عطیه - که بیشتر روایات تفسیری عطیه از طریق او نقل شده است -، حسین بن عطیه، محمد بن عطیه، عبد الله بن عطیه و علی بن عطیه.
اسامی دیگر روایت: أبان بن تغلب، ابو جارود کوفی (زیاد بن منذر)، جابر بن یزید و... (حرزالدین، ۱۳۸۸ ش، ج ۱، ص ۵۷ - ۶۶).

طریق نقل روایات به عطیه

طریق نقل روایات به عطیه متعدد است؛ لکن بیشترین طرق معتبر به روایات تفسیری عطیه، طریق «حسن بن عطیه، عمرو بن عطیه، حجاج بن أرطاة و مطرف بن طریف» و دیگر فرزندان عطیه است که به سند متصل نقل شده است و در این میان، بیشترین روایات تفسیری از طریق حسن بن عطیه عوفی، از پدرش (عطیه)، از ابن عباس است. طبری در تفسیر خود روایات عطیه را از این طریق، یعنی «حدیثی محمد بن سعد، قال: حدیثی ابی، قال: حدیثی عمی الحسین بن الحسن، عن ابیه، عن جدّه (عطیه بن سعد العوفی)، عن

ابن عباس» نقل کرده است (سزگین، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۶۸). این طریقی است که علاوه بر طبری، ابن ابی حاتم و ثعلبی در تفاسیرشان بیشتر روایات عطیه را نقل کرده‌اند. در ادامه به دو نمونه اشاره می‌شود:

الف. طبری (م ۳۱۰ق): حدثنی محمد بن سعد (م ۲۷۶ق) (محمد بن سعد بن محمد بن الحسن بن عطیه بن سعد بن جنادة العوفی)، قال: حدثنی ابی (سعد بن محمد بن الحسن)، قال: حدثنی عمی الحسین بن الحسن (م ۲۰۱ق)، عن ابيه (الحسن بن عطیه (م ۱۸۱ق)، عن جده (عطیه بن سعد بن جنادة العوفی)، عن ابن عباس.

ب. ابن بطة (عبید الله بن محمد بن بطة العکبری (م ۳۸۷ق): حدثنا ابو علی الصوفی، حدثنا بشر بن موسی، حدثنا الولید بن بشر بن الولید الکندی، حدثنا العوفی القاضی الحسین بن الحسن، عن ابيه، عن عطیه العوفی - وهو جده - عن ابن عباس (رک: حرزالدين، ۱۳۸۸ش، ج ۱، ص ۱۶۰-۱۵۵). در منابع روایی شیعی، طریق به عطیه، به فرزندان عطیه ختم می‌شود.

جایگاه روایات عطیه

روایات عطیه شامل دو بخش است: بخش اول، تفسیری است که بیشتر روایات او را تشکیل می‌دهد (در ادامه نوشتار به تفصیل به آن پرداخته خواهد شد) و بخش دوم، روایات غیر تفسیری، ولی متنوع و مرتبط با موضوعات قرآنی که شامل موضوعات: اخلاقی، فضایل اهل بیت علیهم‌السلام، ترغیب و ترهیب، قیامت و بهشت و جهنم است.

عطیه در ترغیب و ترهیب، از ابو سعید خدری روایت می‌کند که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

أفضل الجهاد، كلمة عدل عند سلطان جائر؛

برترین جهاد سخن حقی است که نزد سلطان ستم‌گریبان شود (ابن ماجه، بی تا، ج ۲، ص ۱۳۲۹).

در روایتی دیگر حضرت فرمود:

إن من لا يرحم الناس لا يرحمه الله؛

کسی که به مردم رحم نکند خدا به او رحم نمی‌کند (ابن حنبل، بی تا، ج ۳، ص ۴۰).

او از آن حضرت روایاتی درباره اعمال و احوال قیامت و فضایل اهل بیت علیهم‌السلام نقل می‌کند که فرمود:

لا تزول قدما عبد حتى يسأل عن عمره فيما أفناه، وعن جسده فيما أبلاه، وعن ماله

من أين اكتسبه، وعن حينا أهل البيت؛

در روز قیامت بنده قدم از قدم بر نمی دارد، مگر از چند چیز از او پرسیده می شود: از عمرش که در چه راهی مصرف کرده است و از جسمش در کجا به کار برده است و از مالش از کجا به دست آورده است و از حب ما اهل بیت پرسیده می شود (که به دست آوردید یا نه) (ذهبی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۱۹۹ - ۲۰۰).

در روایتی دیگر، نقل می کند که یکی از ملاک های تشخیص منافقین در زمان رسول الله ﷺ بغض آنان نسبت به امیر المؤمنین بوده است:

ما كنا نعرف من المنافقين على عهد رسول الله ﷺ إلا ببغضهم على بن أبي طالب (سید مرعشی، بی تا، ج ۷، ص ۲۴۰).

عطیه درباره برپایی قیامت و آخر الزمان از ابی سعید نقل می کند که رسول الله ﷺ فرمود:

لا تقوم الساعة حتى يكثر فيكم الهرج ثلاثاً، قالوا وما الهرج، قال: القتل؛ سه مرتبه فرمود قیامت برپا نمی شود مگر این که هرج بیداد کند سؤال شد هرج چیست؟ فرمود: قتل و کشتار (طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۴۷).

تفسیر عوفی

تفسیر عوفی باید از جمله تفاسیر کامل و مکتوب قرآن در دوره تابعین باشد که مشتمل بر تفسیر آیات و سورت تمام قرآن و در پنج جزء (مجلد) بوده است. وجود این تفسیر با سه دلیل قابل اثبات است:
اولین دلیل، یادکرد خود عطیه است که می گوید:

قرآن را سه مرتبه به صورت تفسیر و هفت مرتبه به صورت قراءت به ابن عباس عرضه کردم (تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۲۸۳؛ مامقانی، ۱۳۵۰، ج ۲، ص ۲۵۳، به نقل از ملحقات الصراح).

دومین دلیل، تصریح در منابع معتبره این تفسیر به عنوان تفسیر العوفی است (سمعانی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۹۵؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۵۶). ابن شهر آشوب تصریح می کند که در کتاب *الأسباب والنزول*، اسانید تفاسیر را آورده است:

و اما اسانید التفاسیر والمعانی فقد ذكرتها في *الأسباب والنزول* وهي تفسیر البصری و الطبری..... و العوفی... (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۱، ص ۱۲).

این تفسیر تنها اثر عطیه است که در میان مفسران معروف است.

سومین دلیل، اتصال سند روایات تفسیری تا عطیه است که مهم‌ترین و بیشترین نقل روایات عوفی از طریق «حسن بن عطیه عوفی، عن ابیه، عن ابن عباس» است و بیشتر روایات تفسیری عطیه در تفاسیر مهم مانند: ابن جریر طبری و ابن ابی حاتم و ثعلبی و غیره از این طریق نقل شده است. برای نمونه: طبری (م ۳۱۰ق) می‌گوید:

حدثني محمد بن سعد (م ۲۷۶ق) (محمد بن سعد بن محمد بن الحسن بن عطية بن سعد بن جنادة العوفی) قال: حدثني ابي، عن ابیه، عن جدّه، عن ابن عباس.

درواقع، محمد بن سعد راوی تفسیر جدش عطیه عوفی از ابن عباس است که طبری و ابن ابی حاتم و ثعلبی در تفاسیرشان نقل کرده‌اند.

بنا بر این، عطیه عوفی جزء اولین کسانی است که تفسیر او برای تمام قرآن است و لکن تفسیر او شامل همه آیات به صورت پی در پی نیست، ولی شامل همه سوره‌ها، به غیر از سوره «أعلى وكافرون» است. دامنه و گستره روایات تفسیری عطیه در منابع روایی و کتب تفسیری به غیر از دو سوره «أعلى وكافرون»، نسبت به تمام سوره‌های قرآن است و تفسیر عوفی را باید جزء تفاسیر کامل قرآن شمرد.

محتوای و مطالب تفسیر عوفی (درونمایه شناسی)

مطالب و محتوای تفسیر عوفی دو گونه است:

الف) مطالب مستند به حدیث از پیامبر یا سخن صحابه است.

ب) مطالبی که بدون استناد به حدیث یا سخن کسی بیان شده است. این بخش از مطالب بر اساس اجتهاد و نظر خود عطیه عوفی است و بیشترین گونه نظرها با دیدگاه‌های دیگر صحابه مماثلت دارد.

عطیه در تفسیر آیاتی را که روایتی از پیامبر ﷺ در تفسیر آن آیه نقل شده است، در تفسیر آیه ذکر می‌کند؛ اما در نقل آرا و نظر صحابه، شیوه‌ای متفاوت دارد که نشان از دقت نظر او در قبول و تأیید و یا عدم تأیید آن رأی و نظر دارد. به دو شیوه او در نقل آرا صحابه اشاره می‌شود:

۱. در تفسیر آیات، ابتدا اقوال مختلفی از صحابه را نقل می‌کند و بعد قول مطابق یا مناسب نظرش را اختیار می‌کند؛ بدون این که دلیل یا شهادی بر این روش بیاورد. از این رو، قول و نظر عطیه در این گونه روایات مثل قول و نظر مشایخ روایی است که از آنها روایت

می‌کند. او در این میان بیشتر نظر و دیدگاه ابن عباس را در تفسیر آیات اختیاری می‌کند؛ برای نمونه در تفسیر «نقصان» در آیه «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا» (الرعد: ۴۱) از ابن عباس تفسیرهای متفاوتی را نقل می‌کند؛ در یک تفسیر، مراد از «نقصان» را «آنچه را که خداوند بر پیامبر ﷺ فتح و گشوده است» (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳، ص ۲۲۶) و در تفسیری دیگر، «نقصان اهل زمین و برکات آن» نقل کرده است (تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۵۳۹) و خود عطیه آن را به معنای «آنچه را که خداوند از مشرکان به نفع مسلمین کاسته است» تفسیر می‌کند (سیوطی، بی تا، ج ۴، ص ۶۸).

۲. او در تفسیر آیات به دیدگاه یکی از صحابه تمایل دارد و آن را روایت می‌کند؛ بدون این که از دیگر صحابه روایت کند و به طور غالب میل او در تفسیر آیات به تفسیر ابن عباس از آیه است؛ مثلاً در تفسیر واژه «ضبحا» در آیه «وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا» (العادیات: ۱) به «خیل» - که رأی و تفسیر ابن عباس است - تمایل دارد و تفسیر غیر ابن عباس را کلی بیان می‌کند (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۳۰، ص ۳۴۵).

روش‌شناسی تفسیری عطیه

با توجه به در دسترس نبودن تفسیر عوفی، به سختی می‌توان روش تفسیری او را به دست آورد، اما با وجود روایات تفسیری او - که از منابع تفسیری گردآوری شده - و با در کنار هم دیدن روایات تا حدودی می‌توان به اسلوب نگارش و روش تفسیری عطیه دست پیدا کرد. با توجه به این که روایات تفسیری گردآوری شده عطیه شامل تمام سوره قرآن است و این که عطیه سه مرتبه تفسیر خودش را به ابن عباس ارائه داده، (تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۲۸۳؛ مامقانی، ۱۳۵۰ق، ج ۲، ص ۲۵۳، به نقل از *ملحقات الصراح*)، می‌توان ادعا کرد که تفسیر او به صورت ترتیبی و بر اساس ترتیب سوره‌های مصحف بوده است.

با توجه به تحولی که در دوره تابعین در حوزه تفسیر رخ داد و تابعین به بهره‌مندی از عقل و مستندات آن، در مسائل دینی، مانند صفات خداوند و احکام فقهی - که در آیات قرآن به آن پرداخته شده بود - اهتمام یافتند (پاکتچی، ۱۳۸۷ش، ج ۱۵، ص ۶۹۲ - ۶۹۳)، در تفسیر عطیه نیز این تحول بی‌نصیب نبود؛ به طوری که مستندات تفسیری عطیه در تفسیر آیات، علاوه بر نقل و مأثوری - که گاه از خود قرآن و بیشتر، حدیث پیامبر و یا سخن صحابه است - شامل لغت و شأن نزول و مسائل فقهی و باطنی است. در این بخش، ابتدا به دو روش «تفسیر قرآن به قرآن» و «تفسیر روایی» - که عطیه در تفسیر خود از آن استفاده کرده است - پرداخته و نمونه‌هایی ذکر می‌شود:

۱. قرآن به قرآن

از شیوه‌های تفسیر آیات قرآن، استعانت از آیات دیگر است. برخی آیات مبین و مخصّص و مقید آیات دیگر هستند و این شیوه برگرفته از خود قرآن و سنت رسول الله و اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر آیات است. از صحابه، ابن عباس - که به اعتراف خودش، تمام تفسیر را از امام علی علیه‌السلام آموخته است - این روش را در تفسیر آیات به کار برده است. از این رو، شاگردان او و از جمله عطیه کوفی از این روش آگاه بوده و در تفسیر آیات به کار برده‌اند. عطیه در تفسیر آیه «تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا» (فرقان: ۶۱) برج‌های در آسمان را به قصرهایی که در آن نگهبانانی قرار دارند، تفسیر می‌کند و دلیل آن را این آیه ذکر می‌کند: «وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشَيَّدَةٍ» (نساء: ۷۸) (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۱۴۳). وی در آیه «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً» (نحل: ۱۱۲) «قریه» را به مکه تفسیر می‌نماید و به آیه «وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ» (نحل: ۱۱۳) استناد می‌کند (سیوطی، بی تا، ج ۴، ص ۱۳۳).

۲. روایی

از دیگر شیوه‌های تفسیر آیات قرآن، استناد به احادیث و سخنان پیامبر و صحابه است. این شیوه در تفاسیر روایی امری معمول و رایج است که مفسران آیات الهی را با استناد به سخنان معصومان علیهم‌السلام و صحابه آنان تبیین و تفسیر می‌کنند. عطیه عوفی تفسیر بیشتر آیات قرآنی را به احادیث پیامبر و سخنان صحابه مستند کرده است. چند نمونه از تفسیر روایی اشاره می‌شود:

عطیه در آیه «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ» (انعام: ۱۰۳)، تفسیر «ادراک ابصار» را به «احاطه و محیط بودن» تفسیر می‌کند (ابن ابی حاتم رازی، بی تا، ج ۴، ص ۱۳۶۳) و آن را به استناد روایتی از ابوسعید خدری از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کند. نیز در تفسیر «آیات» در آیه «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا» (انعام: ۱۵۸) به استناد روایتی از ابن عباس و ابوسعید خدری به «طلوع خورشید از مغرب» تفسیر و تطبیق داده است (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۷۲ و ۷۴).

چنان که گفته شد، عطیه در تفسیر قرآن، علاوه بر دوروش «قرآن به قرآن و روایی»، به لغت، شأن نزول و مسائل فقهی توجه کرده و از دریافت‌های خود در تعبیر تشبیهی قرآن استفاده نموده است؛ به طوری که فؤاد سزگین در توجه عطیه به تأویل در آیات می‌گوید:

عطیه نیز مانند مجاهد در توضیح تعبیر تشبیهی قرآن تأویل‌هایی به دست

داده است (سزگین، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۶۸؛ گل‌زبهر، ۲۰۱۳م، ص ۱۷۵).

بنا بر این (منهج تفسیری)، تفسیر عطیه را می‌توان در ردیف تفاسیر نقلی - اجتهادی برشمرد.

گونه پژوهی روایات تفسیری عطیه

با توجه به این که تفسیر عطیه در دوره تابعین شکل گرفته است و هنوز مرزبندی‌های فکری و عقیدتی نسبت به موضوعات قرآنی، شکل واقعی نداشته و سؤالات و مسائل و موضوعات مختلفی مطرح می‌شد و پاسخ به آن تنها در قالب روایت از معصوم و صحابه نقل می‌شد، لذا برای دست‌یابی به دیدگاه عطیه در حوزه‌های گوناگون نیاز به گونه‌شناسی و دسته‌بندی موضوعی روایات عطیه است. با توجه به رویکرد نقلی - اجتهادی تفسیر عطیه و تنوع روایات آن، می‌توان روایات تفسیری عطیه را از حیث موضوعی در چند دسته کلی، مانند احکام (فقهی)، کلامی و اخلاقی گونه‌شناسی کرد. از حیث دلالتی نیز در چند دسته قابل گونه‌شناسی است.

۱. موضوعی

روایات تفسیری عطیه را می‌توان در حوزه‌های مختلفی مانند: اخلاق، احکام و کلام دسته‌بندی کرد:

الف) روایات اخلاقی

موضوع بخشی از روایات تفسیری عطیه اخلاق است؛ مانند فراگیری علم و فضیلت آن، اعمال نیکو، انذار و تبشیر و جهاد در راه خدا. عطیه در تفسیر آیه ۱۲۲ سوره توبه ﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا...﴾ روایاتی در موضوع تعلیم و تعلم، پاداش دنیایی و اخروی آن از پیامبر گرامی ﷺ نقل می‌کند (ابونعیم اصفهانی، ۱۴۲۱ق، ج ۷، ص ۲۳۳؛ رک: طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۹۱ - ۹۲).

او ذیل آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ (صف: ۲ - ۳) جهاد را، براساس روایات، بعد از ایمان از بهترین اعمال برمی‌شمارد (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۲۸، ص ۱۰۷) و در روایتی دیگر یاد خداوند را از بهترین اعمال برشمرده و جهادگر در راه خدا - که شمشیرش آغشته به خون است - برترین ذاکرین خداوند معرفی می‌کند (حافظ اصفهانی، ۱۹۳۴م، ج ۱، ص ۱۷۸).

ب) روایات کلامی

بخش دیگر روایات تفسیری عطیه ناظر به موضوعات کلامی، مانند امامت و ولایت، صفات خداوند، فضایل اهل بیت علیهم السلام، قیامت، روح و بازگشت روح به اجساد در قیامت است. عطیه در تفسیر آیه **﴿وَقَفَّوْهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُؤُلُونَ﴾** (صافات: ۲۴) مورد سؤال را به ولایت امام علی علیه السلام تفسیر می کند (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۱۶۲) و در روایتی دیگر، در تفسیر همین آیه از پیامبرگرامی صلی الله علیه و آله نقل می کند که جواز عبور از صراط ممکن نیست، مگر به برائت امام علی علیه السلام و اگر کسی این برائت را همراه نداشته باشد، وارد جهنم می شود و از پیامبر صلی الله علیه و آله از چیستی برائت سؤال می شود که آن حضرت برائت امام علی علیه السلام را پذیرش توحید، نبوت و امامت و جانشینی امیرالمؤمنین تفسیر می کند (ابن طاووس، ۱۴۱۳ق، ص ۵۵۸). او در روایت خداوند به وسیله چشم در آیه **﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ﴾** (انعام: ۱۰۳)، ادراک ابصار را به احاطه و محیط بودن تفسیر می کند (ابن ابی حاتم رازی، بی تا، ج ۴، ص ۱۳۶۳) و آن را به استناد روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود:

لَوْ أَنَّ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ وَالشَّيَاطِينَ وَالْمَلَائِكَةَ مِنْذُ خَلَقُوا إِلَى أَنْ فَنُوا صَفَوْا صَفًا وَاحِدًا، مَا أَحَاطُوا بِاللَّهِ أَبَدًا.

عطیه روایات متعددی با مضمون امامت ائمه اثنی عشری نقل می کند که این روایات مرتبط با تفسیر اولی الامر در آیه ۵۹ سوره نساء هستند (خزاز قمی، ۱۴۰۱ق، ص ۲۸ - ۳۱).

ج) روایات فقهی

تعداد قابل توجهی از روایات تفسیری عطیه ناظر به موضوع احکام و فقه، مانند مسائل ذبح و قربانی، روزه، ربا و معامله ربا آوراست. عطیه روایات متعددی در نهی از معاملات مثلی، مانند طلا و نقره، گندم و جو، برنج و نمک نقل می کند و علت نهی را ربای در این معاملات می داند و ربا را زیادی و اضافه ای بین ثمن و مضمن معنا می کند. حدود هفت روایت از پیامبرگرامی صلی الله علیه و آله در تفسیر آیه ۲۷۵ سوره بقره **﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا... أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ...﴾** نقل می کند که از معاملات مثلی و عین به عین، به خاطر خوف ربایی (زیادی و اضافه ای) که در معاملات مثلی وجود دارد، نهی کرده است (طبرانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۷؛ ابوالجهم بغدادی، ۱۴۲۰ق، ص ۵۴؛ قاضی انصاری، ۱۳۵۵ق، ص ۱۸۳).

و نیز در تفسیر آیه **﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ﴾** (بقره: ۱۹۸) روایتی نقل می کند که معامله هنگام احرام در زمان برگزاری حج تا پایان موسم جایز نبود و خداوند این

ممنوعیت را برداشت و حلال کرد (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۶۵).

۲. دلایلی

با توجه به مراتب و قلمرو فهم آیات قرآنی، برای فهم درست و صحیح آیات باید کلام معصوم درست فهمیده شود؛ چراکه کلام معصوم گاه در صدد تبیین ظاهری آیه است و گاه در صدد بیان باطنی آیه است و گاه در بیان مصداق آیه است. بنا بر این، بر اساس قلمرو فهم آیات می‌توان کلام معصوم را در پنج گونه روایی دسته‌بندی کرد (راد، ۱۳۹۰ش، ص ۳۲۴). در این بخش نمونه‌ای از روایات عطیه که در این دسته بندی قرار می‌گیرند، ذکر می‌شود:

الف) روایات سوره و آیه شناخت

در این گونه از روایات، اطلاعاتی درباره سبب نزول سوره و آیه، فضایل قرائت سوره‌ها و آیات و قرائت‌های گوناگون داده می‌شود.

قرائت: عطیه آیه را بر اساس فهم و اجتهادی که در نظرش صحیح بوده، قرائت کرده است و در سیزده مورد، اختلاف قرائت از او ثبت شده است. در آیه «مَا تَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِئَهَا» (بقره: ۱۰۶) عطیه «أَوْ نُنسِئَهَا» قرائت کرده است؛ به معنای ما آن را به تأخیر انداختیم و نسخ نکردیم (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۶۶۸). شیخ طوسی نیز قرائت «ننساها»، به همزه را به معنای «به تأخیر انداختن» معنا کرده است و آن را قول عطا و ابن ابی نجیح، مجاهد، عطیه و عبید بن عمیر دانسته است (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۹۶) و نیز در قرائت آیه «فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا» (مزل: ۱۷) با تقدیم و تأخیر قرائت کرده است: «فَكَيْفَ تَتَّقُونَ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا إِنْ كَفَرْتُمْ» (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۶۴) و از نظر قرطبی این قرائت از باب توبیخ و تقریب است که با تقدیم و تأخیر صورت می‌گیرد که عبد الله و عطیه این گونه قرائت کرده‌اند (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۹، ص ۴۹). عطیه از ابن عباس هم مواردی از اختلاف قرائت‌ها را نقل می‌کند که در منابع تفسیر قابل ملاحظه است (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۴۰۰، آیه ۱۱۱ سوره انعام و ج ۳۰، ص ۱۰۳، آیه ۲۴ سوره تکویر؛ همان، ج ۴، ص ۱۵۵؛ سیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۸۲ در تفسیر آیه ۱۴۶ سوره آل عمران).

اسباب نزول: عطیه عوفی در تفسیر آیات به اسباب نزول آن توجه دارد و این توجه نیز حاکی از توانایی ودقت او به جوانب فهم از آیه است. عطیه در تفسیر آیه «أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَشْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» (توبه: ۱۹) به سبب نزول

پرداخته که مشرکان گفتند: آباد کردن بیت الله و برپا داشتن سقایت بهتر است از کسانی که ایمان آوردند و جهاد کردند. آنان به این که از اهل حرم و از آبادگران هستند، تفاخر می کردند که این آیه نازل شد (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۱۹).

وی در تفسیر آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» (مائده: ۶۷) روایات متعددی را نقل می کند که این آیه در روز عید غدیر در اعلام ولایت و جانشینی علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شد (واحدی، ۱۳۸۸ق، ص ۱۳۵؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۴۲، ص ۲۳۷) و نیز در تفسیر آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم: ۹۶) روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که از امام علی علیه السلام می خواهد از خداوند متعال این خواسته را مسألت نماید:

يا [أ] با الحسن! قل: اللهم اجعل لي عندك عهداً، واجعل لي عندك وداً، و اجعل لي في صدور المؤمنين مودة.

این آیه نازل شد و فرمود هیچ شخص مؤمنی را نمی بینی، مگر این که مودت و محبت علی بن ابی طالب علیه السلام در قلبش است (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴۷۴؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۵۲ - ۲۵۳).

ب) روایات معنا شناخت

در این گونه از روایات، معنای واژگان قرآنی بیان شده است. شمار قابل توجهی از روایات تفسیری عطیه از این گونه اند. عطیه در تفسیر معنای عبارت «غلف» در آیه «وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ» (بقره: ۸۸) به «اوعیه للعلم» یا به «اوعیه للذکر» معنا کرده است (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۵۷۳ - ۵۷۴) و در تفسیر کلمه «سیداً» در آیه «وَسَيِّدًا وَحَصُورًا» (آل عمران: ۳۹) می گوید:

سید و سروری در خلق و دینش بود (ابن ابی حاتم، بی تا، ج ۲، ص ۶۴۲).

و در بیان معنای واژه «وداً» در آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم: ۹۶) روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که معنای مودت، حب علی بن ابی طالب علیه السلام است (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴۷۴؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۵۲ - ۲۵۳).

ج) روایات تفسیری

این گونه از روایات به تبیین سطح ظاهری آیات می پردازند و بیشتر روایات تفسیری عطیه از این گونه است. بعضی از این روایات، آن بخشی از آیه را - که موضوع اصلی است -

توضیح می‌دهند؛ مانند (امتحان زنان مهاجر) درآیه **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَأَمْتَحِنُوهُنَّ...﴾** (ممتحنه: ۱۰). در این آیه دستور به امتحان زنان مهاجر داده شده است؛ که این زنان را به گفتن شهادتین امتحان کنید و وقتی صداقت آنان را دانستید... آنان را به شوهران کافرشان برگردانید... و مهریه‌ای را - که از شوهرانشان گرفته‌اند - برگردانید (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۲۸، ص ۸۸) و برخی دیگر از روایات بیشتر از معنای ظاهری آیه را توضیح و تبیین می‌کنند. در تفسیر **﴿لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ...﴾** (حشر: ۲۱) این بیان را القا می‌کند که «همان طوری که کوه در صورت نزول قرآن بر او از روی خشوع و خشیت آن را حمل می‌کرد، شما ای انسان‌ها وقتی قرآن بر شما نازل شد، رویارویی شما با قرآن از روی خشوع و خشیت باشد...؛ کذلک یضرب الله الأمثال للناس لعلهم يتفكرون» (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۲۸، ص ۶۸ - ۶۹). و در تفسیر آیه **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَاجَرْتُمْ الرُّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةً...﴾** (مجادله: ۱۲) می‌گوید:

كان المسلمون يقدمون بين يدي النجوى صدقة، فلما نزلت الزكاة نسخ هذا (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۲۸، ص ۲۸).

د) روایات بیان تأویل و بطن

گونه دیگری از روایات هستند که در برابرگونه تفسیری، به فهم و تبیین معنایی فراتراز سطح ظاهری آیه می‌پردازند و این معنا با معنای ظاهری بی‌ارتباط نیست. عطیه درآیه **﴿إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ﴾** (مجادله: ۱۰) «نجوا» را به معنای «رؤیا» تأویل می‌برد که در غیر معنای ظاهری آن است. و در بیان معنای تأویلی آن می‌گوید که مراد از نجوا در این آیه، خواب‌هایی است که مؤمن می‌بیند و ناراحت می‌شود و مثل این است که در خواب نجوا کرده است (ابن عطیه الأندلسی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۲۷۸). در روایتی دیگر رؤیا را بر سه گونه تقسیم می‌کند: اول، خواب‌هایی که وسوسه شیطان است که همان مراد آیه **﴿إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ﴾** است؛ دوم، خواب‌هایی است که برون‌نمای کارهای روزانه است و سوم، رؤیاهای روشن و واقع است (رؤیای صادق) (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۲۸، ص ۲۲). و در آیات ابتدایی سوره فجر **﴿وَالْفَجْرِ* وَلَيَالٍ عَشْرٍ* وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ﴾** (فجر: ۱ - ۳) تأویل‌هایی ذکر می‌کند و «ولیل عشر» را «عشر الأضحی» می‌داند و درباره «والشفع» می‌گوید: خلقه، يقول الله سبحانه: «وخلقناکم أزواجاً». او درباره «والوتر» می‌گوید: «الله وتر» (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰، ص ۱۹۱ - ۱۹۲).

را روایات جبری و تطبیق

گونه دیگری از روایات تفسیری عطیه در صدد تبیین و فهماندن آیه با نشان دادن نمونه‌ها و مصادیق عینی آن است و این گونه روایات عطیه قابل توجه است. در تفسیر آیه ﴿لَا يَسْتَوِي اصْحَابُ النَّارِ وَاصْحَابُ الْجَنَّةِ اصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ الْفَائِزُونَ﴾ (حشر: ۲۰)، روایتی طولانی نقل می‌کند که از پیامبر اسلام ﷺ درباره «من اصحاب الجنة» پرسیدند؟ آن حضرت فرمود:

من أطاعني وسلم لهذا من بعدى. قال: وأخذ رسول الله ﷺ بكف علي ﷺ وهو يومئذ إلى جنبه فرقعها، وقال: «ألا إن علياً منى وأنا منه، فمن حاده فقد حادنى، ومن حادنى فقد أسخط الله عزوجل». ثم قال: «يا على! حريك حربى، وسلمك سلمى، وأنت العلم بينى وبين أمتى».

قال عطية: فدخلت على زيد بن أرقم فى منزله، فذكرت له حديث محدوح ابن زيد، فقال: ما ظننت أنه بقى ممن سمع رسول الله ﷺ يقول: هذا غيرى، أشهد لقد حدثنا به رسول الله ﷺ. ثم قال: لقد حاده رجال سمعوا رسول الله ﷺ قوله هذا وقد ردوا (طوسى، ۱۴۱۴ق: ۴۸۵ - ۴۸۶).

در تفسیر آیه ﴿وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ﴾ (بروج: ۳) هشت قول بیان شده است و عطیه «شاهد» را به «روز جمعه» و «مشهود» را به «روز عرفه» تطبیق داده است (طبرى، ۱۴۱۵ق، ج ۳۰، ص ۱۶۱).

در مواردی هم با توجه به بافت و سیاق آیات، به معانی دیگر تطبیق داده است. او در تفسیر ﴿فَعَجَلْ لَكُمْ هَذِهِ﴾، در آیه ﴿وَعَدَكُمْ اللهُ مَعَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُ وَنَهَا فَعَجَلْ لَكُمْ هَذِهِ﴾، بر «فتح خیبر» تطبیق می‌دهد (سیوطی، بی تا، ج ۶، ص ۷۵) و از نقل می‌کند که ابن عباس به «صلح» (طبرى، ۱۴۱۵ق، ج ۲۶، ص ۵۶) و «صلح حدیبیه» (ابن کثیر، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۳۱۶) تطبیق کرده است. او در آیه ۲۲ سوره فتح، ﴿وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا﴾ از ابن عباس نقل می‌کند که به «خیبر» (طبرى، ۱۴۱۵ق، ج ۲۶، ص ۵۷؛ ثعلبى، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۵۳) تطبیق داده و خود او به «فتح فارس» (سیوطی، بی تا، ج ۶، ص ۷۵) تطبیق می‌دهد.

آسیب شناسی تفسیر عطیه

روایات مرسل و یا بدون سند، قصص و روایات جعلی از آسیب‌های تفاسیر دوره تابعین است و از اسباب ضعف این تفاسیر تلقی می‌شوند. روایات تفسیری عطیه هم از این آسیب‌ها خالی نیست. در ادامه، به بررسی روایات او از این منظر خواهیم پرداخت.

۱. ارسال و بدون سند بودن

بخشی از روایات تفسیری عطیه به صورت مرسل و یا بدون سند در منابع تفسیری نقل شده است. درباره ارزش مراسیل دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برخی با این استدلال که روایات علمای سلف به صورت مسند و مرسل و متصل بوده است و هیچ‌کدام بریکدیگر خرده نمی‌گرفتند و بر آنها اعتماد می‌کردند، قایل به وثوق مراسیل ثقات، مانند مسندات ایشان بودند. در مقابل، عده‌ای قایل به تفاوت‌اند. اگرچه دو دیدگاه با هم متفاوت است، اما صاحبان آنها، در مقام عمل به محتوای هر دو گونه از روایات رفتاری یکسان دارند (برای تفصیل، رک: ابن عبد البر، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳ - ۷). روایات تفسیری عطیه بر اساس قراین و شواهد، در حکم روایات متصل هستند که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

الف) تصریح برخی مفسران و اهل علم

روایات مرسل عطیه از صحابه است. به عبارت دیگر، روایات تفسیری که از عطیه به صورت مرسل و یا بدون سند نقل شده است همان روایاتی است که از صحابه به طور مستند نقل شده است. در برخی از منابع روایت عطیه در تفسیر آیه «مُدَّهَا مَتَّان» (الرحمن: ۶۴)، «عن عطية قال: خضراوان» مرسل نقل شده است (ابن ابي شيبة، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۸۳؛ طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۲۷، ص ۲۰۱؛ ابن حجر، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۲۹) که در تفسیر طبری با کمی تفاوت، به سند متصل نقل شده است:

حدثنی محمد بن سعد، قال: ثنی ابي، قال: ثنی عمی، قال: ثنی ابي، عن ابيه، عن ابن عباس، قوله: مدھامتان قال: خضراوان من الری، ويقال: ملتفتان (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۲۷، ص ۲۰۰).

ب) تأکید خود عطیه

عطیه تصریح و تأکید دارد که روایاتش در تفسیر آیات از صحابه و به استناد از پیامبر است. در تفسیر آیات سوره فجر - که به صورت سؤال و جواب است - راوی از عطیه می‌پرسد: آیا این حدیث را از صحابه پیامبر روایت می‌کنی؟ عطیه پاسخ می‌دهد: بله، از ابي سعید خدری از پیامبر ﷺ (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰، ص ۱۹۱ - ۱۹۲) و تفسیر آیه ۳۱ سوره رعد نیز همین گونه است (ابن کثیر، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۵۱۶).

ج) مماثلت مرسلات عطیه با روایات صحابه

بسیاری از روایات مرسل عطیه با روایات او از صحابه مماثلت دارد. این بدان معنا

است که او علاوه بر این که در تفسیر آیات، از صحابه روایت می‌کند، بر اساس فهم و درک خود نیز تفسیری از آیات ارائه داده است.

او در تفسیر عبارت «وإن تلووا» در آیه «وإن تلووا أو تُعرضوا فإن الله كان بما تعملون خبيراً» (نساء: ۱۳۵) می‌گوید: «إن تلجلجوا فى الشهادة فتفسدوها». و در عبارت «أو تُعرضوا» می‌گوید: «فتتركوها» (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۴۳۶ - ۴۳۷) و شبیه تفسیر خود را از ابن عباس نقل می‌کند:

... عطيه، عن ابن عباس، ... قوله: (وإن تلووا أو تعرضوا)، يقول: تلوى لسانك بغير الحق، وهى اللجلجة، فلا تقم الشهادة على وجهها. والاعراض الترك (طبرى، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۴۳۶).

بنا بر این، نسبت به آن دسته از روایات او - که بعضی از مفسران، مانند: ماوردی، قرطبی، ابن جوزی و سیوطی، بدون سند در تفاسیرشان نقل کرده‌اند - باید به مثابه روایات مسند عمل شود؛ چرا که این گونه روایات، بنا بر تصریح خود عطیه و بعضی از مفسران از صحابه بوده و روایاتی همانند آنها به طور مسند از صحابه در منابع دیگر نقل شده است.

۲. وضع

وضع و جعل در حوزه تفسیر هم‌زمان با گسترش روایات تفسیری در دوره منع روایت و کتابت احادیث پیامبر ﷺ اتفاق افتاد. موضوعات در تفسیر شامل روایات منتسب به پیامبر و داستان‌های خرافی از انبیا ﷺ است که از برخی صحابه و تابعین، از جمله عطیه عوفی نقل شده است. روایات ساختگی منقول از سوی عطیه به دو صورت است: اول، این که افرادی در طریق اسناد این روایات قرار دارند که روایت جعلی را از ثقات نقل می‌کنند؛ مثلاً: اسماعیل بن یحیی تیمی - که منابع رجالی او را راوی موضوعات از افراد ثقه معرفی می‌کنند (ابن حبان، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۲۶) - روایتی در تفسیر «بسم الله» از مسعر بن کدام، از عطیه، از ابی سعید، از رسول الله ﷺ نقل می‌کند (ابو نعیم اصفهانی، ۱۴۲۱ق، ج ۷، ص ۲۵۱). دوم، در مقابل روایت موضوع از عطیه، روایت معارض از خود عطیه وجود دارد؛ مانند: روایت عطیه از ابن عباس در تفسیر آیه «السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ» (مزمّل: ۴۸) خداوند متعال را با صفات جسمانی توصیف می‌کند و با همین سند در روایتی دیگر در تفسیر آیه «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ» (انعام: ۱۰۳) و آیه «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ * إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ» (قیامت: ۲۲ - ۲۳) نقل می‌کند که صفات جسمانی مانند رؤیت از خداوند متعال نفی می‌کند (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۳۹۰ و ۲۹، ص ۲۳۸). عطیه در روایتی دیگر در تفسیر آیه

۱۰۳ سوره انعام از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که فرمود:

لو أن الجن والإنس والشياطين والملائكة منذ خلقوا إلى أن فنوا، صفوا صفوا واحداً، ما أحاطوا بالله أبداً (ابن ابی حاتم، بی تا، ج ۴، ص ۱۳۶۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۱۷۶).

۳. اسرائیلیات

از دیگر آسیب‌های تفاسیر تابعین، ورود قصه‌های جعلی و دروغین غیرمسلمانان، از جمله یهودیان و مسیحیان به حوزه اندیشه اسلامی است. اسرائیلیات بخش دیگری از روایات موضوعی است که تعدادی از بزرگان یهودی تازه مسلمان، مانند: تمیم داری، کعب الاحبار، ابوهریره و وهب بن منبه، ساخته‌اند. آنان با انگیزه‌های گوناگون و نیز به خاطر عدم اطلاع کافی و جامع و دقیق نسبت به آیات قرآن و برداشت ظاهری از آیات و در فضای ممنوعیت کتابت در احادیث پیامبر اکرم ﷺ و عدم گسست فکری آنان از فرهنگ و آیین یهودی و مسیحی به داستان‌سرایی پرداختند و با مطالب خرافاتی و تحریف شده، به تفسیر و بیان قصص انبیا و امام گذشته در قرآن پرداختند.

برخی مفسران، از صحابه و تابعین و اتباع تابعین، در روایات تفسیری خود این مطالب را نقل کردند و از این طریق داستان‌های دروغین در تفسیر آیات راه پیدا کرد. این آسیب در روایات تفسیری عطیه به طور حد اقلی قابل پی‌جویی است. بخش زیادی از روایات او - که درباره قصص انبیا و امام گذشته است - از ابن عباس نقل شده، یا براساس روایات مقبول بوده و شواهد صحیحی برای آن وجود دارد و یا جز روایاتی نیست که عقل و عرف آن را قبول نکند، بلکه آن را برای موضع‌گیری در مقابل دیدگاه سخیف و غیر صواب یهودیان مطرح کرده است (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۵۳۹). بسیاری از روایاتی که وی از اهل کتاب نقل کرده، به طریق دیگری از صحابه نقل شده است. عطیه در تفسیر واژه «الرعد» در آیه ﴿وَيَسْبُحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ﴾ (رعد: ۱۳) گفته:

الرعد ملك، وهذا تسبيحه، والبرق سوطه الذي يزجر به السحاب، فقال: لذلك الملك رعد (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۲۷۹).

تفسیر «الرعد» به «ملك» از امام علی عليه السلام و دیگر صحابه، مانند ابن عباس، ابی هریره و تابعین، مانند مجاهد، ابوصالح، سدی و ضحاک نقل شده است (حربی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۶۸۸).

بنا بر این، در برخورد با این‌گونه روایات و داستان‌ها باید براساس شاخصه‌های جعل و وضع - که در کتاب‌های مرتبط بیان شده است - عمل کرد و تنها وجود این افراد در سند

روایات دلیل برواضع وجاعل بودن آنان نیست. چه بسا این گونه روایات به نام آنها جعل شده باشد و به طور قطع نمی توان حکم به صدور از آنان کرد.

نتایج

عطیه عوفی با وجود گمنامی، از احیای مکتب اهل بیت علیهم السلام است. افکار، اندیشه و رفتارهایی در دفاع از پیشوای مکتبی، از انسانی برمی خیزد که خود در وهله اول، آیین و آرزوهای آن مکتب را پذیرفته باشد و سپس به ترویج و دفاع از آن بپردازد. بنا بر این، عطیه با توجه به اندیشه و رفتارهایش به یقین از مریدان امام علی علیه السلام بوده و مذهب شیعه داشته است.

با توجه به مکان و شهرت عطیه در کوفه و جایگاه علمی او در تفسیر، در شمار اولین مفسران امامیه در مدرسه کوفه جای دارد.

از آن جا که روایات تفسیری عطیه شامل آیاتی از تمام سوره ها است، می توان گفت که تفسیر عطیه تفسیر کامل قرآن بوده است.

با توجه به محتوا و مطالب تفسیر عطیه و روش و گونه های روایات تفسیری عطیه، می توان او را از اولین پایه گذاران تفسیر اثری اجتهادی به شمار آورد.

کتابنامه

- ابن ابی الفتح اربلی، کشف الغمة، بیروت: دارالأضواء، بی تا.
- ابن ابی حاتم رازی، تفسیر ابن ابی حاتم (تفسیر القرآن العظیم)، تحقیق: اسعد محمد طیب، صیدا: المكتبة العصرية، بی تا.
- ابن ابی شیبة الکوفی، المصنف، تحقیق و تعلیق: سعید اللحام، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، اول، ۱۴۰۹ق.
- ابن ادريس حلی، إكمال النقصان من تفسیر منتخب التبیان، نجف اشرف: العتبة العلویة المقدسة، اول، ۱۴۲۹ق.
- ابن جبر، نهج الإیمان، تحقیق: سید احمد حسینی، قم: مجتمع امام هادی علیه السلام، اول، ۱۴۱۸ق.
- ابن حبان، محمد بن حبان، کتاب المجروحین، تحقیق: محمود ابراهیم زاید، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.

- ابن حجر، تهذيب التهذيب، بيروت: دارالفكر للطباعة والنشر والتوزيع، اول، ١٤٠٤ق.
- _____، فتح الباري، بيروت: دارالمعرفة للطباعة والنشر، بي تا، الثانية.
- ابن حزم، على بن احمد بن سعيد، جمهرة انساب العرب، بيروت: دارالكتب العلمية، اول، ١٤٠٣ق.
- ابن حنبل، احمد، مسند احمد، بيروت: دارصادر، بي تا.
- ابن حيان، محمد بن خلف، أخبار القضاة، بيروت: عالم الكتب، بي تا.
- ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بيروت: دارصادر، بي تا.
- ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب، تحقيق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف، نجف اشرف: المكتبة الحيدرية، ١٣٧٦ق.
- ابن طاووس، التحصين، تحقيق: انصاري، قم: مؤسسة دارالكتاب، اول، ١٤١٣ق.
- _____، الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف، قم: خيام، اول، ١٣٩٩ق.
- ابن طيفور، احمد بن ابي طاهر، بلاغات النساء، قم: مكتبة بصيرتي، بي تا.
- ابن عادل، سراج الدين عمر بن علي بن عادل الدمشقي، اللباب في علوم الكتاب (تفسير ابن عادل)، تحقيق: عادل احمد عبد الموجود، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٩ق.
- ابن عبد البر، التمهيد لما في الموطأ من المعاني والاسانيد، تحقيق: مصطفى بن احمد علوي، محمد عبد الكبير بكري، مغرب: وزارة عموم الأوقاف والشؤون الإسلامية، ١٣٨٧ق.
- ابن عدى، وكيع بن الجراح، الزهد، تحقيق: عبد الرحمن عبد الجبار الفريوائي، الرياض: دارالصميعي، دوم، ١٤١٥ق.
- ابن عساکر، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق: علي شيري، بيروت: دارالفكر للطباعة والنشر، ١٤١٥ق.
- ابن عطية أندلسي، المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، تحقيق: عبد السلام عبد الشافي محمد، لبنان: دارالكتب العلمية، اول، ١٤١٣ق.
- ابن قتيبة، المعارف، تحقيق: ثروت عكاشة، قاهره: دارالمعارف، بي تا.
- ابن كثير، تفسير ابن كثير (تفسير القرآن العظيم)، تقديم: يوسف عبد الرحمن مرعشلي، بيروت: دارالمعرفة للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤١٢ق.
- ابن ماجه، محمد بن يزيد قزويني، سنن ابن ماجه، تحقيق وترقيم وتعليق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دارالفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بي تا.

- ابوجهيم بغدادى، علاء بن موسى، الجزء لابی الجهم، تحقيق: عبد الرحيم بن محمد بن قشقرى، رياض: مكتبة الرشد، ١٤٢٠ق.
- ابونعيم اصفهاني، احمد بن عبدالله، حلية الاولياء وطبقات الاصفياء، تحقيق: سعيد بن سعد الدين خليل، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٢١ق.
- ابو يعلى موصلى، مسند أبى يعلى، تحقيق: حسين سليم أسد، بى جا، دارالمأمون للتراث.
- ادنه وى، احمد بن محمد، طبقات المفسرين، تحقيق: سليمان بن صالح خزى، بيروت: مؤسسة الرسالة، اول، ١٤١٧ق.
- امين، سيد محسن، أعيان الشيعة، تحقيق وتخريج: حسن امين، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- آيتى، محمد ابراهيم، بررسى تاريخ عاشورا، مؤسسه انتشاراتى امام عصر، چهارم، ١٣٨٥ش.
- بيهقى، السنن الكبرى، بيروت: دارالفكر، بى تا.
- ترمذى، محمد بن عيسى بن سوره، سنن الترمذى، تحقيق وتصحيح: عبد الوهاب عبد اللطيف، بيروت: دارالفكر للطباعة والنشر والتوزيع، دوم، ١٤٠٣ق.
- تهرانى، محمد محسن (آقا بزرگ)، الدرعية، بيروت: دارالأضواء، سوم، ١٤٠٣ق.
- ثعلبى، احمد بن محمد بن ابراهيم، تفسير الثعلبى (الكشف والبيان فى تفسير القرآن)، تحقيق: ابو محمد بن عاشور، بيروت: دار احياء التراث العربى، اول، ١٤٢٢ق.
- جرجانى شجرى، الحسين بن اسماعيل، الامالى الاثنييه، تحقيق: عبدالله بن حمود عزي، صنعاء: مؤسسة الامام زيد بن على الثقافية، اول، ١٤٢٩ق.
- حافظ أصبهاني، ذكر أخبار أصبهان، بريل، ليدن المحروسة، ١٩٣٤م.
- حاكم حسكاني، شواهد التنزيل، تحقيق: شيخ محمد باقر محمودى، تهران: مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامى، قم: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، اول، ١٤١١ق.
- حربى، غريب الحديث، تحقيق: سليمان بن إبراهيم بن محمد عاير، جدة: مركز البحث العلمى وإحياء التراث الإسلامى، دار المدينة للطباعة والنشر والتوزيع، اول، ١٤٠٥ق.
- حرز الدين، عبد الرزاق بن محمد حسين، تفسير القرآن الكريم (لعطية بن سعد بن جنداه العوفى الكوفى)، قم: دليل ما، اول، ١٣٨٨ش.

- حلی، خلاصۃ الاقوال فی معرفۃ الرجال، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسۃ نشر الفقاهہ.
- حلی، منتهی المطلب، تحقیق: قسم الفقہ فی مجمع البحوث الإسلامیۃ، مشہد: مؤسسۃ الطبع والنشر فی الآستانۃ الرضویۃ المقدسۃ، اول، ۱۴۱۲ق.
- خازن، علاء الدین علی بن محمد بن ابراہیم بغدادی، لباب التأویل فی معانی التنزیل (تفسیر الخازن)، تحقیق: عبد السلام محمد علی شاہین، بیروت: دارالکتب العلمیہ، ۱۴۱۵ق.
- خزاز قمی، کفایۃ الأثر، تحقیق: سید عبد اللطیف حسینی کوہ کمری خوبی، قم: انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ق.
- ذہبی، شمس الدین محمد بن احمد، الکاشف فی معرفۃ من له روایۃ فی کتب الستہ، تحقیق: محمد عوامۃ، جدۃ، دارالقبلة للثقافۃ الاسلامیۃ، اول، ۱۴۱۳ق.
- _____، تاریخ الإسلام، تحقیق: عمر عبد السلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی، اول، ۱۴۰۷ق.
- _____، سیر أعلام النبلاء، تحقیق: شعیب ارنؤوط، بیروت: مؤسسۃ الرسالۃ، نہم، ۱۴۱۳ق.
- _____، میزان الاعتدال، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دارالمعرفۃ للطباعۃ والنشر، اول، ۱۳۸۲ق.
- راد، علی، مبانی کلامی امامیہ در تفسیر قرآن، انتشارات علمی، اول، ۱۳۹۰ش.
- رازی، فخرالدین، تفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ق.
- زرکلی، خیرالدین، الأعلام، بیروت: دارالعلم للملایین، دوم، ۱۹۸۹م.
- زرکشی، البرہان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد ابو الفضل ابراہیم، بی جا: داراحیاء الکتب العربیۃ، اول، ۱۳۷۶ق.
- زیلعی، تخریج الأحادیث والآثار، تحقیق: عبد اللہ بن عبد الرحمن السعد، الرياض، دار ابن خزیمۃ، ۱۴۱۴ق، الأولى.
- سبط ابن جوزی، یوسف بن قزأوغلی، تذکرۃ خواص الامۃ، بیروت: داراحیاء التراث العربی، دوم، ۱۳۹۹ق.
- سزگین، فؤاد، تاریخ نگارش های عربی، ترجمہ و تدوین: مؤسسہ نشر فہرستانگان، تہران: وزارت فرہنگ و ارشاد، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰ش.
- سمعانی، الأنساب، تحقیق: عبد اللہ عمر بارودی، بیروت: دارالجنان للطباعۃ والنشر و

- التوزيع، اول، ١٤٠٨ق.
- سيوطي، جلال الدين، *الإتقان في علوم القرآن*، تحقيق: سعيد مندوب، بيروت: دارالفكر، اول، ١٤١٦ق.
- _____، *الدر المنثور*، بيروت: دارالمعرفة للطباعة والنشر، بي تا.
- صدوق، من لا يحضره الفقيه، تحقيق: علي اكبر غفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، بي تا.
- طبراني، المعجم الأوسط، تحقيق: قسم التحقيق بدار الحرمين، دارالحرمين للطباعة و النشر والتوزيع، ١٤١٥ق.
- _____، *المعجم الكبير*، تحقيق وتخريج: حمدى عبد المجيد سلفى، دار إحياء التراث العربى، بي تا.
- طبرسى، *الاحتجاج*، تعليق وملاحظات: سيد محمد باقر خراسان، نجف اشرف: دار النعمان للطباعة والنشر، ١٣٨٦ش.
- طبرى، محمد بن جرير، *المنتخب من ذيل المذيل*، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ١٣٥٨ق.
- _____، *جامع البيان عن تأويل آى القرآن (تفسير الطبرى)*، ضبط و توثيق وتخريج: صدقى جميل عطار، بيروت: دارالفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤١٥ق.
- طبرى، محمد بن على، *بشارة المصطفى*، تحقيق، جواد قىومى اصفهانى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، اول، ١٤٢٠ق.
- طوسى، محمد بن حسن، *الاستبصار*، تحقيق و تعليق: سيد حسن موسى خراسان، تهران: دارالكتب الإسلامية، چهارم، ١٣٦٣ش.
- _____، *الأمالى*، تحقيق: قسم الدراسات الإسلامية - مؤسسة البعثة، قم: دارالثقافة للطباعة والنشر والتوزيع، اول، ١٤١٤ق.
- _____، *التبيان فى تفسير القرآن*، تحقيق وتصحيح: احمد حبيب قصير عاملى، قم: مكتب الإعلام الإسلامى، اول، ١٤٠٩ق.
- _____، *الخلاف*، تحقيق: جماعة من المحققين، قم: مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين، ١٤٠٧ق.
- _____، *تهذيب الأحكام*، تحقيق و تعليق: سيد حسن موسى خراسان، تهران: دار الكتب الإسلامية، سوم، ١٣٦٤ش.

- _____، رجال الطوسي، تحقيق، جواد قيومي اصفهاني، قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين، اول، ١٤١٥ق.
- _____، مصباح المتعجد، بيروت: مؤسسة فقه الشيعة، اول، ١٤١١ق.
- عجلي، معرفة الثقات، مدينه منورة: مكتبة الدار، اول، ١٤٠٥ق.
- عصفري، خليفة بن خياط، طبقات خليفة، تحقيق: سهيل زكار، بيروت: دارالفكر، ١٤١٤ق.
- عمر بن شاهين، تاريخ أسماء الثقات، تحقيق: صبحي السامرائي، تونس: دارالسلفية، اول، ١٤٠٤ق.
- عيني، عمدة القاري، بيروت: دارإحياء التراث العربي، بي تا.
- فتال نيسابوري، روضة الواعظين، تحقيق: سيد حسن خرسان، قم: منشورات شريف رضى، بي تا.
- قاضى انصارى، يعقوب بن ابراهيم، كتاب الآثار، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٣٥٥ق.
- قرطبي، محمد بن احمد، تفسير القرطبي (الجامع لاحكام القرآن)، تحقيق: مصطفى السقاء، بيروت: دارإحياء التراث العربي، ١٤٠٥ق.
- قمى، محمد بن أحمد، مائة منقبة، تحقيق: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، قم: امير، اول، ١٤٠٧ق.
- كراجكى، ابو الفتح، كنز الفوائد، قم: غدیر، مكتبة المصطفوى، افست از سنكى، ١٣٦٩ش.
- كوفى، فرات بن ابراهيم، تفسير فرات الكوفى، تحقيق: محمد الكاظم، تهران: مؤسسة الطبعة والنشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامى، اول، ١٤١٠ق.
- كوفى، محمد بن سليمان، مناقب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام، تحقيق: الشيخ محمد باقر المحمودى، قم: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، اول، ١٤١٢ق.
- گلدزيهر، المذاهب الإسلامية فى تفسير القرآن، ترجمه: على حسن عبد القادر، بيروت: المركز الاكاديمى للابحاث، ٢٠١٣م.
- مامقانى، عبد الله، تنقيح المقال فى علم الرجال، تهران: انتشارات جهان، ١٣٥٠ش.
- مجلسى، بحار الأنوار، تحقيق: سيد حسن موسى خرسان، سيد ابراهيم ميانجى، محمد باقر بهبودى، بيروت: مؤسسة الوفاء، دارإحياء التراث العربي، دوم، ١٤٠٣ق.
- مرعشى نجفى، سيد شهاب الدين، شرح إحقاق الحق، قم: ايران، منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفى، بي تا.

- مسعودى، مروج الذهب ومعادن الجواهر، قم: ايران، منشورات دارالهجرة، دوم، ١٤٠٤ق.
- معرفت، محمد هادى، تفسير ومفسران، قم: مؤسسه فرهنگى تمهيد، سوم، ١٣٨٥ش.
- مفيد، محمد بن نعمان، مسار الشيعه، تحقيق: شيخ مهدي نجف، بيروت: دارالمفيد للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤١٤ق.
- موسوى بجنوردى، كاظم، دائرة المعارف بزرگ اسلامى، تهران: مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامى، ١٣٨٧ش.
- مؤدب، سيد رضا، روش هاى تفسير قرآن، قم: انتشارات دانشگاه قم، اول، ١٣٨٥ش.
- نجاشى، رجال النجاشى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين، پنجم، ١٤١٦ق.
- نسائى، فضائل الصحابة، بيروت: دارالكتب العلمية، بى تا.
- _____، كتاب الضعفاء والمتروكين، بيروت: دارالمعرفة للطباعة والنشر والتوزيع، اول، ١٤٠٦ق.
- نمازى شاهرودى، على، مستدرک سفینه البحار، تحقيق وتصحيح: شيخ حسن بن على نمازى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، ١٤١٨ق.
- واحدى نيسابورى، أسباب نزول الآيات، القاهرة: مؤسسة الحلبي وشركاه للنشر والتوزيع، ١٣٨٨ق.